

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

حیات قرآنی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

به کوشش: امین عظیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

حیات قرآنی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

نویسنده:

اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حیات قرآنی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

مشخصات کتاب

سرشناسه : عظیمی، امین

عنوان و نام پدیدآور : حیات قرآنی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی / به کوشش امین عظیمی؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل،مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۴]، ۷۳ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۶۹.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۶۶-۱

یادداشت : کتابنامه: ص. ۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵- -- سرگذشتنامه

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳ /م۷ ح۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۵۰۵۷۸

ص:۱

اشاره

مقدمه

مقدمه

قرآن کریم، کتابی است برای همه و همیشه و هموست که همگان را به تدبر در آیات خویش فراخوانده و به تفکر در عباراتش دعوت کرده است. این آخرین نسخه شفا، درمان تمام دردهای بی درمان بشر تا روز قیامت است. پس هرچه در راه فهم، ترویج، تعلیم و اجرای آن در جوامع انسانی تلاش شود، باز کم است و نمی از یمی بیش نیست.

باید در اقیانوس بی کران قرآن فرورفت تا گوهر های ناب معرفت و ایمان را از آن به دست آورد و در اختیار جان های تشنه حقیقت قرار داد. ورود به این اقیانوس و شنا در آن، از عهده غواصانی برمی آید که دل خویش را به آن سپرده اند و به انگیزه فهم آن، رهسپار دیار معرفت شده اند؛ کسانی که جوانی خود را در پای آن گذاشته اند و از عمق وجود، نور آیات آن و الهی بودن آن را حس می کنند؛ همان کسانی که دوست دارند، پرتو پرفروغ قرآن، افق تمامی جان های تاریک را روشن کند و آب حیات آن، تمامی دل ها را زندگی بخشد.

چنین کسانی به امید هدایت بشر که رسالت قرآن است، سال های سال رنج مطالعه و بیداری شب و تلاش روزانه را به جان می خرند و با عشق کامل، بهترین سرمایه عمر خود و تمام استعدادهای خود را برای تفهیم، تعلیم و ترویج معارف قرآن صرف می کنند. یکی از این نمونه ها که بیش از شصت سال از عمر گران بهای خود را در خدمت قرآن گذراند، و تلاش های پی گیر او باعث رونق گرفتن قرآن و مباحث قرآنی در گستره مکتب شیعه شده، فقیه و مفسر بزرگوار، حضرت آیت الله مکارم شیرازی(دام ظله) است.

گرچه تحقیق جامع درباره کارها و خدمات قرآنی ایشان در این خلاصه نمی گنجد، از باب «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید»، در این دفتر گذری بر سیره علمی و عملی وی با تأکید بر حیات قرآنی و خدمات ایشان به ساحت قرآن خواهیم داشت که غیر از بخش مربوط به آثار قرآنی، بقیه بخش ها فشرده و تنظیمی جدید از کتاب حیات پربرکت است که به همت جناب آقای احمد قدسی تهیه و تنظیم شده است.

امیدواریم که این کار مختصر مورد استفاده مخاطبان ارجمند قرار گیرد و عمر بابرکت حضرت استاد پایدار باشد و ایشان و شاگردان تفسیری شان در راه خدمت به قرآن، بیش از پیش موفق باشند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

مدیر گروه قرآن پژوهی

امین عظیمی

فصل اول: سیری در زندگی و سیره استاد

اشاره

فصل اول: سیری در زندگی و سیره استاد

زیر فصل ها

۱. زندگی نامه استاد

۲. فعالیت های سیاسی

۳. سیره اخلاقی

۱. زندگی نامه استاد

اشاره

۱. زندگی نامه استاد

الف) دوران کودکی(۱)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی، مفسر و فقیه اهل بیت(ع)، در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در شیراز چشم به جهان گشود. جد بزرگ ایشان، حاج محمدباقر، که یکی از تاجران شیراز بود، در سرای نو شیراز به تجارت اشتغال داشت؛ لباسی شبیه لباس روحانیان می پوشید و پیوسته در مسجد مولای شیراز برای نماز جماعت حاضر می شد و مورد تکریم و احترام و اطمینان بود.

جد ایشان، مرحوم حاج محمد کریم (فرزند حاج محمدباقر) که او نیز عمامه ای بر سر داشت و هنگام کار در بازار، کلاه پوستینی بر سر می گذاشت، در سرای گمرک شیراز و سپس در بازار وکیل، به تجارت مشغول بود و همواره در مسجد «مولای» شیراز در نماز جماعت شرکت می کرد و از مرتبطان و نزدیکان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد جعفر محلاتی، پدر مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدجعفر طاهری بشمار می آمد.

استاد دراین باره چنین می گوید:

پدر بزرگی داشتم به نام حاج محمد کریم مکارم که مردی مذهبی بود. من چهار ساله بودم که خبر آوردند او در حمام عمومی بر اثر سکته فوت کرده است. ماجرای فوت او و محبت هایی را که در زمان حیات نسبت به من

۱- نک: احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴؛ با تلخیص، گزینش و تنظیم جدید و اضافات.

داشت، به خوبی به خاطر می آورم.

مادربزرگی داشتم، ظاهراً خواندن و نوشتن نمی دانست، ولی پر هوش و باحافظه بود. همیشه پای منابر وعّاظ می رفت و هرچه را می گفتند به خاطر می سپرد، همین که از درِ خانه وارد می شد، شروع می کرد به بازگو کردن منابر وعّاظ. احادیث و روایات زیادی به خاطر داشت. من هم مقدار زیادی از دوران کودکی ام را به خاطر علاقه زیادی که به من داشت، نزد او می گذراندم. از داستان های انبیا و اولیا زیاد برایم تعریف می کرد و روز به روز به مسائل مذهبی علاقه مندتر می شدم. از مسائل طب قدیم نیز زیاد اطلاع داشت و پیوسته برای ما تعریف می کرد.

جد بزرگم حاج محمد باقر را ندیده بودم، ولی او هم مرد مذهبی و علاقه مند به مکتب اهل بیت(ع) بود. در مجموع، خانواده ما عشق و گرایش قابل ملاحظه و خوبی به مذهب داشتند، هر چند نه روحانی بودند و نه روحانی زاده.

باز فراموش نمی کنم، مادربزرگم مرا زیاد به مسجد می برد. از همان طفولیت به مسجد عادت کردم. شاید هشت ساله بودم که از منبر وعّاظ استفاده می کردم و مطالب اسلامی برایم بسیار لذت بخش بود و در خاطره ام نقش می بست. (۱)

و نیز می فرماید:

پدرم علاقه زیادی به آیات قرآن داشت. در دورانی که در مدارس ابتدایی تحصیل می کردم، گاهی شب ها مرا به اتاق خودش فرامی خواند و به من می گفت: ناصر! کتاب آیات منتخبه و ترجمه آن را برای من بخوان (این کتاب مجموعه آیاتی بود که به وسیله بعضی از دانشمندان انتخاب شده در زمان رضا خان، در مدارس به عنوان تعلیمات دینی تدریس می شد). من آیات

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، صص۲۲ و ۲۳.

و ترجمه آن را برای او می خواندم و او لذت می برد.(۱)

دورترین خاطره

دورترین خاطره

دورترین خاطره ای که از دوران کودکی به نظر دارم، مربوط به زمانی است که بیماری مختصری داشتم و در گهواره خوابیده بودم. حادثه از این قرار بود که فصل تابستان بود و گاهواره من در گوشه حیاط قرار داشت. در وسط حیاط، حوض آبی بود که می بایست از آب چاه پر شود، ولی چون حوض نجس شده بود، با آب چاه که از دلو به آن می ریختند پاک نمی شد. برای حل مشکل، در شیراز چنین معمول بود که قسمت عمده حوض را با آب دستی پر می کردند، سپس ظرف بزرگ چرمی به نام «کر» را که واقعاً به مقدار کر بود، پر از آب می کردند و روی آن حوض خالی می کردند تا با آب حوض مخلوط شود و همه پاک شوند (البته این توضیحات را من الآن می فهمم و در آن وقت به صورت کم رنگی می فهمیدم). بالاخره ظرف کر را پر از آب کردند و روی حوض ریختند، حوض پر شد و آب حوض بیرون ریخت و از زیر گهواره من هم گذشت و من همه اینها را می دیدم و تا حدی می فهمیدم و چنان به خاطرم مانده که گویی دیروز این امر اتفاق افتاده است.(۲)

ب) دوران نوجوانی

ب) دوران نوجوانی

استاد با استعداد خدادادی و هوش سرشار، پیش از آنکه وارد دوران نوجوانی شود، تحصیل در مدرسه را شروع کرد و در اندک مدتی، با کلاس های جهشی، دروس را تمام کرد. استاد به کلاس های جهشی خود در آن دوران اشاره می کند و می فرماید:

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، صص۲۷و۲۸.

چهار یا پنج ساله بودم که به دبستان رفتم و به اصطلاح امروز، چون سن من کافی نبود، در کلاس آمادگی شرکت کردم. مدرسه ما به نام زینت در شیراز معروف بود، ولی در همان کلاس آمادگی به ما تعلیماتی یاد می دادند که خوب آنها را فراگرفتم و به همین دلیل، بدون اینکه این سلسله مراتب رعایت شود، مرا به کلاس های بالاتر بردند.(۱)

ایشان دوران دبستان و دبیرستان را با همین کیفیت و سرعت به پایان می رساند و در سال سوم دبیرستان هم زمان با دروس کلاسیک، دوران طلبگی خویش را نیز آغاز می کند.

ج) دوران طلبگی

اشاره

ج) دوران طلبگی

زیر فصل ها

یک ــ شروع طلبگی

دو ــ دروس سطح حوزه

سه ــ عشق به تحصیل

چهار ــ حضور در درس خارج

پنج ــ درجه اجتهاد چنین نبوغ و استعداد فوق العاده، به ضمیمه دیگر ویژگی هایی که گفته خواهد شد، سبب شد استاد در بیست و چهار سالگی به درجه اجتهاد برسد.

یک ــ شروع طلبگی

اشاره

یک ــ شروع طلبگی

با سقوط رضاخان و آزادی نسبی در آن دوران، آیت الله حاج سید نورالدین شیرازی، از عالمان بزرگ شیراز، از همه علاقه مندان به علوم دینی دعوت کرد تا به تحصیل آن بپردازند. استاد در سال سوم دبیرستان، با اشتیاق بسیار حاضر شد که هم زمان با دروس دبیرستان، به دروس دینی روی آورد. استاد دراین باره چنین می گوید:

محل بعدی ما مدرسه خان در شیراز بود که از مدارس بسیار قدیمی و بزرگ و معروف است که محل تدریس یا تحصیل فیلسوف گران قدر، صدرالمتألهین شیرازی بود. شروع به جامع المقدمات و شرح الأمثله کردم. استاد من مرحوم آیت الله ربانی شیرازی بود؛ به ایشان گفتم: «من جامع المقدمات ندارم، اگر بیست وچهار ساعت امانت بدهی، مطالعه می کنم و امثله و شرح الأمثله را یک روزه با مطالعه امتحان می دهم. ایشان به من دادند و تمام شب و روز را مشغول شدم و فردا امتحان دادم]و[قبول شدم و به رتبه بالاتر

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۲۸.

ارتقا یافتم و با ایشان خداحافظی کردم و در کلاس دیگری شرکت نمودم.(۱)

شرکت در همین دروس، عامل رسمیت یافتن طلبگی ایشان و ممحض شدن در دروس حوزوی بود، چنان که ایشان می فرماید:

این نکته نیز شنیدنی است که بعد از اتمام جامع المقدمات، در مدرسه خان، روزی مرحوم آیت الله موحد به مغازه پدرم آمد. تابستان بود و روزها در مغازه پدر که شغلش در آن زمان جوراب بافی بود، کار می کردم رو به پدرم کرد و سخنی گفت که مضمونش این بود :

ـ چند پسر داری؟

ـ چهار تا.

ـ بیا این یکی (ناصر) را وقف امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف کن و پدرم با اینکه کمک زیادی به او می کردم، پذیرفت که مرا به خدمت آقای موحد، یعنی مدرسه علمیه آقا بابا خان بفرستد.(۲)

اتمام صمدیه در کمتر از دو شبانه روز

از شگفتی های آن زمان، در زمینه قصه ای است که استاد حکایت می کند:

روزی استاد ما عبارت معروف صمدیه «وَ المُبَرَّد إنْ کانَ کَالْخَلیل فَکَالْخَلیل وَ إلّا فَکَیُونِسْ و إِلّا فَکَالْبِدَل» را از من پرسید و سفارش کرد آن را حل کنم. من صمدیه را از میان کتاب های جامع المقدمات، تا آن روز نخوانده بودم، درحالی که از پیچیده ترین کتاب های جامع المقدمات است. تصمیم گرفتم، آن را با مطالعه حل کنم. در مدت سی وشش ساعت، یعنی کمتر از دو شبانه روز تمام آن را مطالعه و جواب سؤال استاد را تهیه و برای ایشان بیان کردم و ایشان تعجب کرد و مرا تشویق نمود.(۳)

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص۲۹.

۲- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۰.

۳- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۰.

دو _ دروس سطح حوزه

دو _ دروس سطح حوزه

استاد از سیزده سالگی تا هفده سالگی، دروس سطح حوزه علمیه را که امروزه ده سال درسی را شامل می شود، در عرض چهار سال با کیفیت کامل به پایان می رساند و بر متن عمیق و دقیق کتاب کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی حاشیه می زند. استاد دراین باره می فرماید:

با جدیتی که استاد بسیار دل سوز و پرکار (آیت الله موحد) داشت، از اول سیوطی تا آخر کفایه را نزد او در مدت چهار سال خواندم؛ همان درسی که امروز در حوزه ها در مدت ده سال خوانده می شود و هنگامی که کفایه را تمام کردم، حدود هفده سال داشتم و در همان شیراز، حاشیه فشرده ای بر کفایه نوشتم.(۱)

سه _ عشق به تحصیل

سه _ عشق به تحصیل

استاد در این باره می گوید:

من این کارها را تنها مربوط به استعداد نمی دانم، بلکه پیش از استعداد، عشق و علاقه را در این مورد مؤثر می دانم و عقیده دارم عشق و علاقه، کارهایی می کند که معجزه آساست و کمتر کسی می تواند آن را باورکند.

و نیز می فرماید:

شب و روز تابستان و زمستان ماه رمضان و محرم و صفر، جز روز جمعه و بعضی از ایام تعطیلات (سه روز در سال) همه روز درس می خواندیم و در مدرسه چیزی جز مباحثه و تدریس حاکم نبود. عشق من روز به روز بیشتر می شد. هر مقدار درس می خواندم، راضی نبودم. مرتب به استادم فشار می آوردم که بیشتر درس بدهد، ولی او راضی نمی شد؛ شاید تصورش این بود که اگر کودکی سیزده ساله این همه برای درس فشار بیاورد، به زودی پژمرده می شود، آینده اش به خطر می افتد. پیوسته با او در جنگ و گریز برای

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، صص ۲۹ و ۳۰.

گرفتن درس بیشتر بودم و او سعی داشت، من بیشتر از اندازه درس نخوانم و حق با او بود، ولی شخصی که عاشق چیزی است، تسلیم این حرف ها نمی شود.

شاید باور نکنید و حتی برای خودم باورکردنش مشکل است که من در آن ایام، شروع به تدریس مراحل پایین تر کرده بودم. گاه در همان مدرسه در یک روز هشت جلسه تدریس داشتم و خودم نیز چندین درس و مباحثه داشتم و با اینکه منزل ما در شیراز با مدرسه فاصله زیادی نداشت، بسیار کم به منزل می رفتم و شب و روز در مدرسه بودم. شب ها که مشغول مطالعه می شدم تا دیروقت سعی بر مطالعه داشتم و در آن وقت از چراغ نفتی استفاده می کردم. یک شب وسط مطالعه خوابم برد و چراغ هم واژگون شد؛ صبح که بیدار شدم، خودم را در یک طرف و کتاب و چراغ را در طرف دیگر دیدم که سیاه و خاموش بود و خدا رحم کرده بود که حجره آتش نگرفته بود. به هیچ وجه به تغذیه اهمیت نمی دادم و اصولاً وضع زندگی طلاب در آن روز از امروز بسیار سخت تر بود. مجموع این امور سبب شد که از نظر جسمی بسیار لاغر و پژمرده شدم، ولی عشق و شور و علاقه، همه اینها را جبران می کرد.(۱)

چهار ــ حضور در درس خارج

اشاره

چهار ــ حضور در درس خارج

ایشان، در هجده سالگی با پشتوانه علمی و نبوغ خدادادی خود وارد دروس خارج حوزه می شود.

ورود به مجلس درس آیت الله العظمی بروجردی(قدس سره)

آیت الله العظمی بروجردی (مطابق تعریف استاد) مردی بسیار باتقوا، هوشیار، نورانی، جذاب و فوق العاده در فقه قوی بود و در فقه مکتب خاص و مستقلی داشت. در رجال و حدیث و ادبیات و فنون دیگر، تبحر بسیار

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، صص ۷۱ ــ ۷۳.

داشت. درسش برای استاد بسیار دل چسب بود و به اعتراف خود استاد، چیزهای بسیاری در مکتب فقهی او آموخت.

خاطره شرکت در درس این ابرمرد فقه و حدیث را استاد این چنین توصیف می کند:

در آغاز جوانی هجده _ نوزده ساله بودم و شرکت جوانی با این سن در درس بزرگی چون آیت الله العظمی بروجردی که معمّرین و بزرگان حوزه، حتی استاد من آیت الله العظمی داماد و آیت الله العظمی گلپایگانی و همچنین امام راحل (قدس سره) در آن شرکت داشتند، کمی عجیب بود؛ مخصوصاً زمانی که به خود شجاعت طرح اشکال در اثنای درس را می دادم، مسئله عجیب تر به نظر می رسید و شاید بعضی به خود می گفتند: این پسر بچه شیرازی چرا این قدر جسور است و به خود اجازه طرح اشکال و اِنْ قُلت را در چنین محضر بزرگی می دهد؟!(۱)

تشویق آیت الله العظمی بروجردی(قدس سره)

یک روز آیت الله العظمی بروجردی در درس فقه، اشاره به مسئله «صید لهوی» کرد؛ یعنی شکار رفتن کسانی که برای تفریح شکار می کنند. معروف میان فقها این است که سفر این گونه اشخاص تمام است، اما شاید کمتر کسی حکم به حرام بودن چنین کاری کند. من که در آن زمان طلبه کم سن و سالی بودم، رفتم و مدارک زیادی برای حرمت صید لهوی از کلمات قدما و متأخرین از آنها جمع آوری کردم و ثابت نمودم که سفر صید لهوی، یکی از مصادیق سفر حرام است که نماز در آن باید تمام خوانده شود.

هنگامی که آیت الله العظمی بروجردی آن نوشته را مطالعه کرد، با تعجب پرسید که: این نوشته را خود شما نوشته اید؟! عرض کردم: آری!(۲)

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۲.

۲- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۲.

پنج ــ درجه اجتهاد چنین نبوغ و استعداد فوق العاده، به ضمیمه دیگر ویژگی هایی که گفته خواهد شد، سبب شد استاد در بیست و چهار سالگی به درجه اجتهاد برسد.

اشاره

پنج ــ درجه اجتهاد چنین نبوغ و استعداد فوق العاده، به ضمیمه دیگر ویژگی هایی که گفته خواهد شد، سبب شد استاد در بیست و چهار سالگی به درجه اجتهاد برسد.

از زبان استاد بشنوید:

پس از ورود به نجف اشرف [خیلی] زود به واسطه طرح سؤالات مختلف در بحث های اساتید بزرگ، شناخته شدم و همه جا مورد عنایت و محبت قرار می گرفتم. سرانجام در، بیست وچهار سالگی به وسیله دو نفر از مراجع بزرگ آن زمان، مفتخر به اجازه اجتهاد گشتم: یکی از آیت الله العظمی اصطهباناتی بود که از مراجع بسیار باشخصیت و شیخ الفقها محسوب می شد؛ ایشان لطف و محبت فوق العاده ای به من پیدا کردند. لذا اجازه کامل اجتهاد برایم مرقوم فرمود و دیگر آیت الله العظمی حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء بود. ایشان چون آشنایی به وضع من نداشت، فرمود از شما امتحان می کنم! گفتم: آماده ام. از من خواست رساله ای درباره این مسئله که «آیا تیمم مبیح است یا رافع حدث» بنویسم. من هم رساله ای مشروح در این زمینه تهیه کردم، خدمت ایشان دادم. ایشان علاوه برآن، یک امتحان شفاهی نیز از من به عمل آوردند و یکی از مسائل پیچیده علم اجمالی را سؤال فرمود. وقتی جواب دادم، ایشان اجازه را مرقوم داشته و محبت فرمود.

از نکته هایی که دلیل بر نبوغ و استعداد موهبتی اوست (در عین حال بر حافظه قوی استاد نیز گواهی می دهد) این است که استاد گاهی، درس هایی را که دو هفته پیش از مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیده بود، به طور کامل یادداشت می کرد.(۱)

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۳.

تقریظ آیت الله العظمی حکیم رحمه الله

آخرین قصه ای که از حوزه نجف، مهر تأیید بر نبوغ استاد و رشد و تعالی اندیشه ایشان می زند، تقریظی است که صاحب مستمسک العروه الوثقی، مرحوم آیت الله العظمی حکیم، آن فقیه تمام عیار، بر حاشیه دفتر کتاب الطهاره (که تقریر درس خارج فقه آن مرحوم بود و به قلم استاد تقریر و تدوین شد) نوشته است. دست خط شریف آن مرحوم چنین است:

بِسْمِ الله الرَّحمن الرَّحیم وَ لَهُ الحَمْدُ و الصَّلاه وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطّاهِرِینَ.

قَدْ نَظَرْتُ فی بَعْضِ مَواضِعِ هٰذا التَّقْریر بِمِقدارِ ما سَمَح بِهِ الوَقْت فَوَجَدْتُهُ مُتْقَناً غایَهَ الْإتْقانِ بِبَیانٍ رائِقٍ وَ أُسلُوبٍ فائِقٍ یَدُلُّ عَلی نُضُوجٍ فی الفِکْر وَ نَقْدٍ فی القَریحَهِ وَ اعْتِدالٍ فی السَّلیقَهِ فَشَکَرْتُ الله سُبْحانَه أَهْلَ الشُّکْر عَلی تُوفیقِهِ لِجِنابِ العالِمِ المُهَذَّبِ الزَّکِیِّ الأَلْمعِیّ الشَّیْخ ناصِرِ الشّیرازی سَلَّمَهُ الله تَعالی وَ دَعَوْتُهُ سُبْحانَه أنْ یُسَدِّدَهُ وَ یَرْفَعَهُ إلَی الْمَقامِ العالی فِی الْعِلْم وَ الْعَمَلِ إنَّهُ وَلِیِّ التَّسْدیدِ وَ هُوَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ الوَکیل وَ الْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالمین.(۱)

به نام خداوند بخشنده و مهربان، ستایش مخصوص اوست. درود و سلام بر فرستاده او و اهل بیت طاهرینش.

به بخشی از این تقریر به مقداری که وقت اجازه می داد، نظر افکندم، آن را در نهایت اتقان دیدم؛ با بیانی شیوا و رسا و اسلوبی سرآمد که بیانگر رشد فکری و شکوفایی ذوق و قریحه و اعتدال سلیقه است. پس شکر خداوند سبحانی را که شایسته اهل شکر است به جاآوردن، به جهت توفیقی که به جناب عالم مهذب و پاک و هوشمند، شیخ ناصر شیرازی (سلمه الله تعالی) عطا کرد و از حضرتش خواستم که یاری اش دهد و او را به مقام عالی از علم

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

و عمل برساند؛ چراکه اوست یاری دهنده و اوست کفایت کننده ما و بهترین پشتیبان و الحمدلله رب العالمین.(۱)

محسن الطباطبائی الحکیم

۹/ج ۱/۱۳۷۰ ه_ .ق

۲. فعالیت های سیاسی

اشاره

۲. فعالیت های سیاسی

دوران پیش از انقلاب، دورانی سخت برای بسیاری از دانشمندان بود؛ یا باید بر وضع موجود صبر و سکوت می کردند و شاهد هتک حرمت اسلام و مسلمانان به دست بیگانگان و غارت بیت المال و فساد و فحشای آشکار و بی پروا می شدند و فقط عنوان عالم بودن را با خود یدک می کشیدند و یا همراه و همدوش امام راحل رحمه الله داد مبارزه با طاغوت سر می دادند و از عزت و شرف مسلمانان حمایت می کردند.

آیت الله مکارم شیرازی از جمله شخصیت هایی است که هم در میدان علم و هم در میدان جهاد و سیاست، با شجاعت تمام وارد شد و در طول نهضت اسلامی، پیش و پس از انقلاب، یار و مددکاری صدیق برای امام و انقلاب و پس از آن برای مقام معظم رهبری بوده است.

بحث درباره تاریخ مبارزاتی و سیاسی ایشان نیاز به کتابی جداگانه دارد، اما در این مجال اندک، فقط برای روشن شدن نقش ایشان در به ثمر رسیدن انقلاب و حمایت بی دریغش از نهضت اسلامی، به گوشه ای از خاطرات ایشان

۱- احمد قدسی، حیات پر برکت، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۵.

می پردازیم که مربوط به دوران تبعید به چندین شهر مختلف است و به قلم خودشان نزدیک به سی سال پیش نگاشته شده است.

چنان که خواهیم دید، ایشان در بحبوحه اختناق و انقلاب، در برابر بیداد، خروشید و پس از جسارتی که در روزنامه اطلاعات آن روز در حق امام راحل بزرگ رحمه الله روا داشته شد، سخنرانی آشکار و تندی را ایراد فرمود که نتیجه اش هفت ماه تبعید و دوری از وطن و حوزه علمیه شد.

الف) برگ هایی از خاطرات هفده ماه تبعید ۱

الف) برگ هایی از خاطرات هفده ماه تبعید (۱)

«لازم است خاطرات تبعید به نقاط مختلف و سفر هفت هزار کیلومتری را که بین تبعیدگاه ها کردم و آنچه در نقاط مختلف مملکت دیدم و سخنانی را که با افراد و شخصیت های مختلف از «علمای حنفی مذهب» بلوچ گرفته تا «دانشمندان کرد شافعی» و گروه های مختلف مردم داشتم، خدمت شما عزیزان بازگو کنم. نخست مقدمه کوتاهی می آورم، سپس وارد اصل موضوع می شوم».

ب) آغاز نهضت

ب) آغاز نهضت

شب ۱۸ دی ماه بود که تلفن ها در قم به صدا درآمد: آقا مقاله روزنامه اطلاعات را به قلم رشیدی مطلق مطالعه کرده اید؟

راستی هتاکی و رسوایی را به آخرین حد رسانده... آیا فردا دروس حوزه علمیه تعطیل است؟... و فردا صبح بود که نخست حوزه علمیه قم و سپس بازار قم تعطیل شد و فضلا و طلاب علوم دینی، به نشانه اعتراض، به خانه های مراجع، در گروه های کاملاً منظم رو آوردند و چهره شهر به کلی

۱- با توجه به طولانی بودن مطالب، گزیده ای از این نوشته ها که در کتاب حیات پربرکت به طور کامل آمده، گزینش شده است.

دگرگون شد و به این ترتیب، نخستین جرقه انقلاب در فضای قم آشکار گردید. جرقه ای که هیچ کس باور نداشت این قدر توسعه یابد و سراسر مملکت را فراگیرد و دامنه آن به خارج نیز کشیده شود.

در این مقاله به زعیم بزرگ و پیشوای عالی قدر حضرت آیت الله العظمی خمینی(دامت برکاته) توهین و بی ادبی شده بود. چیزی نبود که برای کسی قابل تحمل باشد، ولی مهم این است که بدانیم در پشت آن جرقه، مخزن باروتی نهفته شده بود که این جرقه یک باره آن را شعله ور ساخت. دمل چرکینی که در پیکر اجتماع وجود داشت، نتیجه سالیان دراز خفقان و زورگویی و بی عدالتی، بی اعتنایی به خواست های مردم، ظلم و دروغ و نابسامانی های دیگر بود که در انتظار نیشتر نیرومندی بود و هنگامی که نیشتر فرود آمد، فریاد و فغان از تمام این پیکر برآمد و آنچه در درون نهفته بود، بیرون ریخت!

همه مراجع قول دادند، برای رفع این توهین اقدام کنند. روز بعد، کار بالا-تر گرفت و سیل جمعیت افزون تر شد. آن روز، برنامه این بود به خانه های اساتید حوزه علمیه بروند و چنین شد، از جمله سراغ این جانب در مدرسه امیرالمؤمنین(ع) آمدند. داخل و خارج مدرسه و خیابان از جمعیت موج می زد و من در سخنرانی کوتاهی که کردم، نخست از یک پارچگی و وحدت جمعیت و مشت محکمی که مردم بر دهان نویسنده مقاله و هم فکران او زده بودند، تشکر کردم و گفتم: «با این کار نشان دادید این گونه هتاکی ها بعد از این بدون جواب نخواهد ماند و به این ارزانی که آنها گمان می بردند، تمام نخواهد شد!»

سپس اضافه کردم: «اگر بزرگِ قومی را این چنین هتک کننـد، چه احترامی برای دیگران می ماند. اگر باید بمیریم، همه با هم بمیریم و اگر بنا هست زنده بمانیم، همه با هم زنده بمانیم!»

این جمله که بعد برای بسیاری شکل شعار به خود گرفته بود، یکی از اسناد معتبر تبعید من به چابهار بود. به هرحال، آن جلسه تمام شـد، ولی عصر، هنگامی که طلاب و جوانان از خانه اساتید با آرامش کامل و حتی بدون کوچک ترین شـعار]چون آن روز نه تنها شکستن شیشه ها معمول نشده بود، هنوز شـعارهای خیابانی نیز در کار نبود[بازمی گشتند، مورد هجوم مأموران پلیس واقع شدند و برای نخستین بار خون عده ای بی گناه سطح خیابان را رنگین ساخت!

مـأموران امنیتی قم، برای تبرئه خود از این خشونت و کشـتار بی سـابقه، طبق معمول دست به کـار پرونـده سازی شدنـد و طبق رأی «کمیسیون امنیت اجتماعی» که زیر نظر فرماندار و چهار تن دیگر از رؤسای ادارات تشکیل می گردید، این جانب و شش نفر دیگر آقایان در حوزه علمیه قم و چند نفر از تجار محترم بازار را محرکین اصلی این حادثه معرفی کردند و حکم تبعید سه ساله]حداکثر تبعید[را برای همه صادر فرمودند!

رئیس سـاواک قم، هنگـامی که در اتـاقش به من اعلام کرد بایـد به تبعیـد گاه بروم، گفتم: ای کاش آن کس که این حکم را صادر کرده اینجا بود، با او سخن می گفتم. بی تأمل گفت: آن کس منم! بفرمایید ... (و آنجا مفهوم کمیسیون امنیت اجتماعی را فهمیدم).

گفت: ... به هر حال مطلب از اینها گذشته، بفرمایید ...]به سوی تبعیدگاه[گفتم: کجا؟ گفت: بعداً روشن می شود».

دروغ بزرگی به نام حقوق بشر

«شب بود. هوا به شدت سرد و کاملاً تاریک شده بود. یک کامیون ارتشی در کنار ژاندارمری [قم] در انتظار من و دو نفر دیگر از آقایان بود و برای هر نفر، دو مأمور مسلح تعیین شده بود و چون وضع قم به شدت ناآرام بود، برای بیرون بردن ما زیاد عجله نشان می دادند.

هنگامی که با شش مأمور مسلح به محل «پلیس راه قم ـ اراک» رسیدیم، برف باریدن گرفت. در اینجا می بایست توقف کنیم تا ماشین های عبوری فرارسد و هر کدام به سوی مقصد تعیین شده حرکت کنیم. خواستیم در آسایشگاه پلیس راه، تا فرارسیدن ماشین عبوری بمانیم. جناب سروانی که به شدت ناراحت به نظر می رسید، مخالفت کرد و گفت باید در ماشین بمانید و حتی با سلاح کمری، ما را تهدید کرد!

برزنت سقف و اطراف کامیون پاره بود و باد و برف به داخل ظلمتکده ماشین می دوید و شاید برودت هوا به چند درجه زیر صفر رسیده بود. مأموران به نوبت پیاده می شدند و خود را در مرکز پلیس گرم می کردند. من احساس کردم نشستن در ماشین خطرناک است. خب پیاده می شدم و در بیابان در زیر برف راه می رفتیم تا خون در بدنمان منجمد نشود، ولی موافق نبودند. آخرین فکری که به نظرمان رسید، این بود که در کامیون مرتب دست و پاها را حرکت دهیم تا از خطر انجماد رهایی یابیم و فراموش نمی کنم که مدت ها آثار ناراحتی آن شب، در یک دست من باقی بود.

دستور این بود، با سرعت برویم و در شهر توقف نکنیم و در صورت لزوم، فقط در مرکز پلیس راه، از اتومبیلی به اتومبیل دیگر منتقل شویم. بعد از نصف شب به اصفهان رسیدیم. در آنجا موافقت کردند که با یک اتومبیل

سواری به سوی یزد راه بیفتیم. پس از آنکه با زحمت زیاد به یزد رسیدیم، بدون وقفه به راه ادامه دادیم.

شب در مسیر بم ــ ایران شهر راه را گم کردیم و در بیراهه ای گرفتار شدیم. از قضا چراغی از دور نمایان شد. معلوم شد اتوبوسی است که او هم از این راه آمده است. بیم آن بود که با اشاره ما توقف نکند، یکی از دو مأمور که کم کم با هم رفیق شده بودیم، گفت: اسلحه در اینجا به درد می خورد. پایین پرید و تفنگ را سر دست گرفت و جلوی اتوبوس را سد کرد! راننده و مسافران جا خوردند که چه خبر است و چقدر خوشحال شدند هنگامی که فهمیدند، ما فقط می خواهیم راه را پیدا کنیم! سرانجام معلوم شد ما اشتباهی از راه خاکی زاهدان آمده ایم، نه ایران شهر!

راننده، جوان خامی بود. مخالف بازگشت ما بود، ولی من اصرار داشتم که بازگردیم. مأموران هم از پیشنهاد من به دلیل اینکه «آقا تجربه شان از ما بیشتر است»! حمایت کردند و به «بم» بازگشتیم.

سرانجام پس از حدود پنجاه ساعت راه پیمودن، به بندر چابهار رسیدیم. خسته و کوفته و بیمارگونه و در طول راه بارها به یاد منشور جهانی اعلامیه حقوق بشر بودم! معلوم شد مأموران ما هم دل پردردی از اوضاع دارند، ولی بنا به اظهار خودشان راه فرار ندارند».

ج) نخستین تبعیدگاه «چابهار»

اشاره

ج) نخستین تبعیدگاه «چابهار»

«با اینکه در نقاط دیگر برف می بارید و بهمن ماه بود، در چابهار از کولر استفاده می کردند، اما بومی ها که اکثرشان بلوچ هستند، می گفتند: هوا سرد شده. گرما موقعی است که از سرانگشتان انسان قطره قطره عرق می چکد و

مغز سر را به جوش می آورد! هوا شرجی می شود و لباس ها خیس و از برگ درختان در هوای بدون ابر، مانند باران، آب فرو می ریزد!

در گوشه و کنار و حتی در داخل این «شهر کوچک مرزی»، زاغه ها و آلونک هایی به چشم می خورد که نه برق داشت و نه آب و نمی دانم با این حال در تابستان چه می کردند. در تمام این شهر در آن روز، یک داروخانه موجود نبود و تنها حمام شهر بر اثر عدم پرداخت آب بها تعطیل شده بود! افرادی در آنجا بودند که شاید در تمام سال، یک میوه یا مختصر سبزی نمی خوردند».

بلای استبداد و ریاکاری

«ساکنان چابهار که مردمی پرمحبت هستند، هشتاد درصد سنی و بیست درصد شیعه اند و همچون برادران با هم زندگی می کنند. آنها از محروم ترین مردم کشور ما می باشند، درحالی که به گفته اهالی، در هوای گرم آنجا اگر درخت میوه ای باشد، در سال دوبار میوه می دهد!

باغ کشاورزی چابهار نشان می داد که خاک آن منطقه از مستعدترین خاک هاست. این باغ کشاورزی با این همه محصولات گرمسیری متنوعش، بهترین سند زنده برای مقصر بودن دستگاه هاست و نشان می دهد که اگر به تهیه آب و مسئله کشاورزی منطقه توجه شود، نه تنها مردم منطقه اداره می شوند، بلکه بار سنگینی از دوش مردم دیگر نقاط برخواهند داشت و گامی خواهد بود در جهت از میان بردن «وابستگی کشاورزی به بیگانگان» که امروز به شکل خطرناکی درآمده است.

همچنین معلوم شد، مقدار بیست هزار متر از بهترین زمین های شهر، از طرف شهرداری، رایگان برای احداث «گورستان» به فرقه گمراه غیراسلامی «بهائی» واگذار شده است. درحالی که نفرات آنها در آن شهر بدون شک، از

«شش خانواده» تجاوز نمی کرد و برای دفن همه آنها، بیست متر زمین کافی بود! ولی مسلمانان اصلاً گورستان نداشتند. فکر کردم سکوت در اینجا جایز نیست. پس به عنوان یک مقام مسئول مذهبی یک تلگراف شهری برای فرماندار و شهردار فرستادم و نسبت به این مسئله و بعضی دیگر از مسائل شهری اعتراض کردم (و پیش خود فکر کردم چابهار آخر خط است، جایی دورتر از آن ندارند که مرا بفرستند).

اگر تعجب نکنید دو روز بعد شهردار که آدم صریح و مصممی به نظر می رسید، ضمن یک نامه رسمی، با امضا و مهر شهرداری، ضمن تشکر از این انتقادات نوشته بود: «این بخشش در زمان تصدی این جانب صورت نگرفته و به طوری که پرونده امر نشان می دهد، به دستور «مرکز» بوده است»! یعنی کاری از دست ما ساخته نیست، اما بعضی دیگر از پیشنهادها را انجام می دهیم... . دیدم آب از سرچشمه گل آلود است و همه نقاط مملکت در این آب گل آلود سهمی دارند.

در آنجا به مقدار توان به مسجد و برنامه های مذهبی تا حدی سروسامان داده شد. کتاب خانه ای به کمک و همت یکی از آقایان تأسیس شد. در بعضی از جلسات دینی که داشتم، هشتاد درصد برادران اهل تسنن شرکت داشتند و نیز با علمای مذهبی آنها در محیطی پر از تفاهم صحبت می کردیم و بسیاری از مسائل مملکتی نیز در این میان روشن می شد که در این مختصر شرح آنها ممکن نیست».

د) تبعیدگاه دوم «مهاباد»

د) تبعیدگاه دوم «مهاباد»

«پنجاه روز در چابهار گذشت. اواخر اسفند بود. هوا به سرعت رو به گرمی می رفت. بدن ها عرق سوز شده بود و نگران فرارسیدن بهار و تابستان

بودیم که ناگهان فرمان حرکت به سوی مهاباد شهری در شمال غربی کشور، صادر شد. با دو مأمور، یکی شیعه و دیگری سنی، این فاصله سه هزار ودویست کیلومتری را در مدت نزدیک به یک هفته پشت سر گذاشتیم و در میان برف و سرما وارد مهاباد شدیم!

با اینکه قانون تبعید [اقامت اجباری] می گوید: «[شخص تبعیدی] هیچ گونه محدودیتی نباید داشته باشد و آزادی او از هر نظر تأمین گردد»، ما در مهاباد، برخلاف چابهار، هیچ گونه آزادی نداشتیم. حتی کسبه در فروختن جنس به ما احتیاط می کردند، دکتر محترم دندان سازی را تحت بازجویی قرار دادند که چرا دندان ما را ترمیم کرده. هیچ کس بدون اجازه ساواک، جرئت اجاره دادن خانه به ما را نداشت. یک مأمور مخفی که مخفی هم نبود، همه جا مثل سایه ما را دنبال می کرد. تلفن منزل شدیداً تحت کنترل بود.

بعضی از مسافرانی را که از نقاط دور و نزدیک به دیدن ما می آمدند، به اطلاعات شهربانی یا ساواک می بردند. با اینکه میل داشتیم از آن فرصت گران بها استفاده و با علمای اهل تسنن در مسائل مختلف اسلامی گفت وگو کنیم، آنها نیز متقابلاً چنین تمایلی داشتند، ولی بر اثر فشار شدید دستگاه ها، قبل از گذشتن چهل روز این توفیق دست نداد.

در آن محیط، همه از هم می ترسیدند و سایه سنگین دستگاه های امنیتی ساواک و غیره بر همه جا افتاده بود، اما سرانجام دیدیم که همین مهاباد پرخفقان و سخت تحت کنترل، چگونه بیدار شد و صحنه عظیم ترین تظاهرات خیابانی گشت و این است محصول آن برنامه ها! جالب این است که دوستان تفسیر نمونه به طور متناوب هر ده روز به مهاباد می آمدند و برنامه تفسیر با سرعت پیشرفت کرد».

ه_) سومین تبعیدگاه «انارک نائین»

ه_) سومین تبعیدگاه «انارک نائین»

«یک روز رئیس اطلاعات شهربانی مهاباد به منزل آمد که نامه ای از قم آمده. مثل اینکه مشکل کار پایان یافته و باید به شهربانی بیایید، اما در شهربانی گفتند: باید الآن به سوی انارک نائین حرکت کنید، حتی حق بازگشت به منزل و روشن ساختن وضع همسر و فرزند را هم ندارید! (خانواده نزد ما بودند) تا خواستم مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را یادآور شوم، دو مأمور مسلح با دو قبضه [مسلسل] را در برابر خود دیدم و آن قدر فشنگ به کمرشان بسته بودند که کمربندشان از سنگینی می خواست پاره شود؛ نفهمیدم برای جنگ یا لشکر «سلم» و «تور» آماده شده بودند یا برای بدرقه یک نفر تبعیدی که حتی چاقوی قلم تراش در جیب نداشت!

گفتند: ماشین آماده است، بفرمایید... . بیست ساعت بدون توقف و استراحت در راه بودیم که به نائین رسیدیم و از آنجا با یک ماشین ژاندارمری، با سه مأمور، یکی مسلسل به دست و دو نفر دیگر با تفنگ، به شهر انارک در ۷۵ کیلومتری نائین رسیدیم.

این شهرک، همان گونه که از نامش پیداست، تعداد کمی درخت انار دارد و دیگر از آب و آبادی هیچ و کویر پهناور مرکزی، از چهارسو آن را احاطه کرده. چند کوچه پهن آسفالتی دارد که از ناچاری نام خیابان بر آن گذارده اند و همه آنها به بیابان برهوت خشک و سوزانی منتهی می شود. تنها نانوای شهر مسافرت کرده بود و جز نان خانگی که مخصوص اهالی بود، پیدا نمی شد و به همین دلیل، دو ماه که در آنجا بودیم، غالباً نان خشک که از نقاط دیگر می آوردند، مصرف می شد. آب آنجا قابل شرب نبود، به همین دلیل، دوستان

اصفهانی که تقریباً همه روز با پیمودن بیش از دویست کیلومتر راه به دیدن ما می آمدند، آب آشامیدنی را از آنجا می آوردند.

... وضع بعضی از مردم آنجا به قدری رقت بار بود که نمی توان شرح داد، اما عموماً خوش قلب و مهربان و معتقد به مبانی مذهبی هستند. به همین دلیل، در مدت کوتاهی با همه آشنا شدیم و برنامه های وسیع دینی در آنجا پی ریزی شد و خوش بختانه محدودیتی هم نداشتیم.

دلخوشی ما در آن شهر، علاوه بر محبت مردم و دوستان فراوانی که از اصفهان و یزد و نائین و کاشان و دیگر نقاط به دیدن، می آمدند، این بود که آیت الله پسندیده، برادر محترم «امام خمینی» و چند نفر دیگر از دوستان در آنجا تبعید بودند و از مصاحبت ایشان لذت می بردیم».

و) تبعید به جیرفت

و) تبعید به جیرفت

«دو سه ماهی در آنجا گذشت، یک روز خبر آوردند که جای شما عوض شده و باید به تبعیدگاه چهارم «جیرفت» حرکت کنید، مأموران و ماشین آماده اند... !

من با خاطره ای که از زمستان آنجا در ذهن داشتم، می دانستم منطقه ای است میان کرمان و بندرعباس، گرم و سوزان، رفتن به آنجا آن هم در وسط ماه مبارک رمضان، به هیچ وجه کار عاقلانه ای نیست. به علاوه، معنی ندارد که ما خاموش بنشینیم و مانند توپ فوتبال هر روز به سویی پرتاپ شویم. راننده را فوری خبر کردم و شبانه از انارک از بیراهه به قم آمدم و گفتم: «بالاتر از سیاهی رنگی دیگر نباشد!» و نامه ای نوشتم و در انارک گذاشتم که صبح به مأموران بدهید به این مضمون: «من برای مشورت با وکیل مدافعم به قم رفتم، جزو غیبت محسوب ندارید!» ... و اتفاقاً مقارن همین، اوضاع دگرگون

شد. انقلاب شتاب گرفت و به ثمر نشست و همه زندانیان سیاسی و تبعیدی ها آزاد شدند و جباران و سردمداران فرار کردند، یا به زندان افتادند، یا اعدام شدند. «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَومِ الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ الحَمْدُللهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ».(۱)

سرانجام، این درس بزرگ را فهمیدم که زندان، عناصر انقلابی را پخته تر و آگاه تر و مقاوم تر می کند و تبعید ها، ندای انقلاب را به نقاط دور و نزدیک می رساند!»

[فراموش نفرمایید این نوشتار مربوط به ۲۳ سال قبل است].

۳. سیره اخلاقی

اشاره

۳. سیره اخلاقی

زیر فصل ها

الف) اخلاق فردی(۲)

ب) اخلاق جمعی

الف) اخلاق فردی۱

اشاره

الف) اخلاق فردی(۳)

اخلاق فردی، پایه و زمینه اخلاق جمعی است و کسی که زمینه های نیکوی خلق فردی خویش را فراهم نکرده باشد، در جامعه و برخوردهای جمعی، دچار مشکل خواهد بود. حضرت استاد در کنار تحصیل، پژوهش و تدریس، در طول سالیان، از سلوک اخلاقی و رسیدن به خویش غافل نبود و همواره با پاییدن خود، درجات معنوی و روحانی را یک به یک طی کرد. همین توجه و مراقبت در اخلاق فردی ایشان، باعث شده که روحیه جمعی بسیار بالایی داشته باشد، که توضیح آن خواهد آمد. اینک به گوشه ای از ویژگی های والای فردی ایشان می پردازیم.

یک _ عشق به امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف

یک _ عشق به امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف

۱- نک: انعام: ۴۵.

۲-

۳- در تهیه مطالب این فصل نیز، به طور عمـده، از کتاب حیات پر برکت اسـتفاده شده است، ولی در این کتاب، سـیره اخلاقی ایشان به صورت فصلی جداگانه و در دو بخش فردی و جمعی و با ویرایش و گزینش، تنظیم شده است.

ایشان در ارتباط با عشق و توجه به امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف می گوید:

دقیقاً نمی دانم چند ساله بودم که عشق شدیدی به معرفت خداوند و اولیای دین و مخصوصاً امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف پیدا کردم. شاید بیش از دوازده سال از عمرم نمی گذشت که دائماً احساس می کردم گمشده ای دارم که باید آن را پیدا کنم. به مسجد می رفتم. در جلسات وعظ شرکت می کردم. به زیارت حضرت شاه چراغ(ع) که در شیراز است می رفتم، ولی گمشده خود را پیدا نمی کردم. توسل های مختلفی داشتم، ولی باز سیراب نمی شدم. علاقه شدیدی به عبادت پیدا کرده بودم، ولی در آن سن و سال کودکی، از عبادات چندان سر در نمی آوردم. هنگامی که افتخار طلبگی را پیدا کردم، آن حالات بسیار شدیدتر و قوی تر شد.(۱)

دو ـ پشتکار و جدیت

دو ـ پشتکار و جدیت

از ویژگی های استاد، پشتکار در عمل و با قوّت و قدرت به کار ادامه دادن و پرهیز از سهل انگاری است. دو نصیحت و پند استاد، همیشه به یاد می آید و در خاطر زنده می شود:

اول ـ می بایست کار را با قوّت شروع کرد و تسامح و سستی ای در آغاز کار نداشت و این نکته ای است که استاد بارها در ابتدای سال تحصیلی با آهنگ محرک و عزم آفرین خود بیان می کرد و این آیه را می خواند: «یا یَحْیی خُذِ الْکِتابَ بِقُوَّهٍ»(۲)

و گاه این بیت شعر را نیز با حرارتی خاص بر زبان می آورد:

من نمی گویم سمندر باش یا پروانه باش

چون به عشق سوختن افتاده ای مردانه باش!

۱- حیات پربرکت، صص ۷۰ و ۷۱.

۲- نک: مریم: ۱۲.

دوم ــ می بـایست پس از شـروع نیز بـا پشـتکار تمـام آن را ادامه داد و در این رابطه به این آیه تمسـک می کرد که: «وَ الَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا»(۱) و می فرمود:

رمز موفقیت و پیشـرفت یـک طلبه دو چیز است: یکی جهـاد و به کـارگیری نهایت تلاش و پشـتکار [جاهَـدوا] و دیگر خلوص نیت [فینا]. اگر تاریـخ مردان بزرگ را ورق بزنیم و زنـدگی عالمانی که خدمت به اسـلام نمودند و کار زمین افتاده ای را بلند کردنـد بررسـی نمـاییم، به این نتیجه می رسـیم که غـالب این بزرگـان، این گونه نبودنـد که از اسـتعداد و نبوغ فوق العـاده ای برخوردار باشـند، بلکه ای بسا اسـتعداد متوسـطی را دارا بودنـد، ولی به خاطر پشـتکار فوق العاده ای که داشـتند، خـدمت فوق العاده ای را متحمل شدند.

یکی از دوستان و همراهانش نیز می گوید:

یکی از جهاتی که در ترقی ایشان دخیل بود، پشـتکار و جدیت تمام است. یاد دارم در شـیراز وقتی که در مدرسه آقا بابا خان بودیم، در شبانه روز فقط چهار ساعت استراحت داشتیم، با اینکه از تعطیلات نیز [برای استراحت] استفاده نمی کردیم.

دوست دیگری نیز چنین حکایت می کند:

یکی از خصایصـی که از ایشان اطلاع دارم، پشـتکار ایشان است. پدر ایشان مرحوم شد، ما و اسـتاد ایشان رفتیم تشییع جنازه و برگشـتیم. ایشـان منزل رفتنـد و فردا آمدنـد سـر درس. در تمـام سـال در آن مـدرسه، درس و بحث بود. تعطیلی نبود، جز روز جمعه و سه روز در سـال: عـاشورا و ۲۸ صفر و ۲۱ ماه رمضان. جـداً شب و روز مشـغول بود. بعـد هم که به قم آمدنـد، درس مرحوم آیت الله محقق داماد می رفتند و از شاگردان برجسته ایشان بودند.(۲)

۱- نک: عنکبوت: ۶۹.

۲- حیات پربرکت، صص ۵۹ ــ ۶۳.

سه ـ پرکاری

اشاره

سه ـ پرکاری

تعطیلات، در اندیشه کاری استاد مفهومی ندارد. ساعتی که وارد مدرسه می شود و در اتاق مخصوص خویش مشغول فعالیت می شود، تا ساعتی که از مدرسه خارج می شود، در تمام ایام سال تغییری نمی کند. شاید بشود گفت: «بهره ای که ایشان از تعطیلات می برد، بیش از بهره ای است که از ایام تحصیل نصیبشان می شود!»

اگر چنین نبود، به هیچ گونه ممکن نبود که تفسیر تمامی قرآن را با آن همه گستردگی و جامعیت، در مدت پانزده سال به اتمام برساند؛ کاری که به تعبیر بعضی از اساتید بزرگ و معروف حوزه، از مواهب الهی است. جالب اینکه در ایام تبعید نیز دست از تلاش برنمی داشت و در روزهای سیاه و سهمگین مبارزه با طاغوت، در محل تبعید نیز کار جلسات تفسیری را ادامه می داد. استاد خود در این زمینه چنین حکایت می کند:

یادم نمی رود، همین تفسیر نمونه را که می نوشتیم، شب و روز وقت اضافی را که داشتیم صرف آن می کردیم... . در تبعیدگاه مشغول تفسیرنمونه بودیم، چون مجال بسیار وسیعی برای این کار داشتیم. ده نفر از دوستان که با من همکاری می کردند، دو نفر دو نفر، به نوبت به تبعیدگاه می آمدند. البته آمدن به آنجا مشکلات سیاسی و غیرسیاسی هم داشت، منتها به هر حال می آمدند و کار را ادامه می دادیم. گاه در مسافرت با قطار مشغول نوشتن کتاب بودم و در هواپیما نیز همین گونه. در اتومبیل نوشتن مشکل است، ولی مشغول فکر کردن و یادداشت برداشتن می شدم. بسیاری از مطالب و اشعار را در سفرها نوشتم و یادداشت کردم. اعتقاد ما بر این است که تمام مؤلفان بزرگ، افراد پرکاری بودند.(۱)

۱- حیات پربرکت، ص ۶۵.

چهارده ساعت کار شبانه روز

پرکاری استاد به حدی است که مقدار کار ایشان در این سنین بالا به روزی چهارده ساعت می رسد. خود ایشان در این باره می گوید:

من از کار کردن، بحمدالله، خسته نمی شدم. الان هم که نزدیک به هفتاد سال از عمرم می گذرد، شاید بعضی از روزها چهارده ساعت کار می کنم و چون کار مورد علاقه من است سبب نشاط من می شود، نه سبب خستگی. شاید تعجب کنید اگر این حرف را بزنم که گاه آن قدر غرق کار می شوم که مثلاً ـ می خواهم ناخن های دستم را بگیرم، ناخن یک دست را امروز می گیرم، وقت برای دست دوم پیدا نمی کنم، به فردا موکول می کنم. گاه حتی مجال نوشیدن آب هم پیدا نمی شود، وقتی آن را احساس می کنم که بسیار تشنه شده ام؛ چون وقت نوشیدن آب هم در لابه لای برنامه ها پیدا نشده است. اینها ممکن است برای بعضی ها عجیب باشد، ولی برای کسانی که از نزدیک این مسائل را دیده اند، چیز عجیبی نیست و خانواده و نزدیکان ما هم این مطلب را احساس کرده اند.(۱)

چهار_ لطافت روحی و علاقه به شعر

چهار_ لطافت روحی و علاقه به شعر

توجه دائم و ذکر مستمر و مراقبت پیوسته استاد، جلوه های مختلفی را در افعال و حالات او به وجود آورده است، از آن جمله، لطافت روحی و حال و هوای عرفانی و علاقه شدید او به شعر و شاعری است. به ویژه گرایش زیادی که به اشعار حافظ و از شاعران معاصر، گرایشی را که به اشعار شهریار دارد، قابل توجه است. خودش در این باره می گوید:

علاقه زیادی به شعر و ادبیات دارم، لذا یکی از تفریحات من برای رفع خستگی، خواندن دیوان های شعرای بزرگ است و من معمولاً قبل از استراحت، مخصوصاً بعد از ظهر باید کتابی را مطالعه کنم و از میان شعرای قدیم، دیوان حافظ را انتخاب کرده ام و از شعرای جدید، دیوان شهریار را که

۱- حیات پربرکت، ص ۶۷.

هر دو در کنار بستر من است. مقداری از اینها را مطالعه می کنم، آرامش پیدا می کنم و استراحت می کنم و می خوابم. من حافظ را قوی ترین شاعر در رشته غزل می دانم.

صرف نظر از بعضی از تعبیرات زننده ظاهری اشعار که بعضی برای آن تفسیرهای عرفانی می کنند، من بیشتر به قدرت خلاقیت حافظ و هنرمندی او در شعر و زیبایی های فوق العاده تشبیهات و نکات بسیار ظریف و باریک و نوآوری های فراوان او نگاه می کنم. البته اشعار عرفانی بسیار قوی و نیرومندی هم دارد که ده بار هم انسان بخواند، باز آن لطافت و روحانیت را ازدست نمی دهد.

شهریار را در میان شعرای معاصر بسیار قدرتمند می دانم. او در اشعارش همه جا در سایه حافظ حرکت می کند. خودش هم اعتراف دارد که استاد اصلی اش حافظ است، ولی انصافاً نوآوری های فراوانی دارد که انسان وقتی مطالعه می کند، از لطافت آن لذت می برد و گرد و غبار ملالت ها را از آیینه روح انسان پاک می کند.(۱)

پنج _ تعبد و ترس از حساب و میزان

پنج _ تعبد و ترس از حساب و میزان

استاد بسیاری از ابواب فقه را درس گفته است و بنابراین، یک بار مسائل مختلف فقهی را استنباط کرده و برای بار دوم، بر تمام عروه الوثقی سید یزدی، تعلیقه زده است و از این طریق، بار دیگر، نگاهی مستنبطانه به ابواب فقهی عنوان شده در عروه الوثقی دوخته است (و نسبت به ابوابی از فقه که در عروه مطرح نیست، بر تحریرالوسیله مرحوم امام، کم و بیش تعلیقه زده است) و برای بار سوم، به مدت دو سال کار مداوم، به قلم روان و رسای خویش و به شکل جدیدی، رساله عملیه را نوشته و دوباره همه ابواب فقه را

۱- حیات پربرکت، ص ۱۸۱.

مرور و آرای شخصی خویش را استخراج کرده است و در نتیجه، بسیاری از مسائل را دست کم سه بار دیده و بررسی کرده است. با وجود این، در بسیاری از استفتائات، با وسواس و حساسیت برخورد و با صبر و حوصله، برای بار دیگر، مدارکش را جست وجو می کند و در بعضی وقت ها، جواب مسئله را به زمان دیگری موکول می کند.

روشن است چنین حساسیتی، تعبد و تدینی خاص، تقوایی ویژه و خوف از حساب و کتاب و میزان را طلب می کند؛ خصوصیتی که چون خصلت ها و ویژگی های دیگر استاد، از جلوه های مختلفی در زندگی ایشان برخوردار است، «وسواس در مسائل مالی و مصرف بیت المال و سهمین است».(۱)

شش ــ ورزش و نشاط جسمانی

شش ــ ورزش و نشاط جسمانی

برخی بی حرکت بودن و به آرامی راه رفتن و سخن گفتن و نشست و برخاست کردن و... را نشانه های زهد و کرامت می دانند و برعکس، نشاط و تحرک را نشانه دنیازدگی و کم تقوایی. درحالی که منطق قرآن و سنت، مبتنی بر تلاش، تحرک، سبقت در خیرات و بانشاط بودن است و ورزش کردن، در ایجاد چنین حالتی نقش کلیدی دارد.

استاد از آغاز جوانی با ورزش و نرمش مأنوس بوده و پیاده روی بین الطلوعین ایشان زبانزد همه است و تا الان که هشتاد سال از عمر پر برکتش می گذرد، ساعتی از شب و روزش به نرمش و پیاده روی اختصاص دارد. در مسائل حفظ سلامت بدن و نکته های بهداشتی طب قدیم و جدید، اطلاعات گسترده و سودمندی دارد و طرف مشورت دوستان، آشنایان و

۱- حیات پربرکت، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

شاگردان است، به گونه ای که در مقدار و چگونگی غذا و پرهیز از زیاده روی در خوردنی های غیر ضروری، الگوی بسیار خوبی برای دیگران است. خود استاد در این زمینه می فرماید:

به اندازه ای غذا می خورم که اگر ناگهان مهمانی از راه برسد و سفره ای دوباره پهن شود و مصلحت بر این باشد که با او همراه شوم، هیچ مشکلی ندارم و ظرفیت تناول دوباره به مقدار اول را دارم.(۱)

هفت _ نظم فردی

هفت _ نظم فردی

نظم در کارهای شخصی و فردی، منجر به نظم در وظایف و امور اجتماعی می شود و از نظم فکری و روانی فرد حکایت می کند. نظم استاد در کارها، به حدی است که اطرافیان را به شگفت وا می دارد و افرادی که کمترین برخوردی با استاد داشته اند، به آن اعتراف می کنند. استاد، مکارم در این باره می گوید:

نه تنها کارهای درسی و بحث و تحقیق، بلکه حتی خوردن و خوابیدن و بیدار شدن و همه اینها باید مطابق نظم باشد و این نظم سبب می شود ما از اوقاتمان بهترین بهره را ببریم. اگر نظم نباشد، ما نمی توانیم کارهای مهمی را انجام بدهیم. تألیفات مهم بدون برنامه ریزی منظم غیر ممکن است.

حکایت های دوستان و همراهانشان از وجود چنین نظمی در استاد، به گذشته ای دور برمی گردد. یکی از آنان می گوید: «یک چیزی که از ایشان سراغ دارم، نظم در کار بود. منظم بود. با برنامه حرکت می کرد. برنامه مطالعه، برنامه خواب، برنامه عبادت و برنامه کارهای حجره. [همگی نظم کامل داشت]».(۲)

۱- حیات پربرکت، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲- حیات پربرکت، ص ۷۶.

ب) اخلاق جمعی

اشاره

ب) اخلاق جمعی

رفتار جمعی و سلوک اجتماعی استاد نیز همانند اخلاق فردی ایشان، درخور توجه و استفاده برای قشرهای تحصیل کرده و اهل قرآن است. آنچه در ادامه می آید، برگزیده ای از شایستگی های اخلاقی ایشان در امور اجتماعی است.

یک ـ پرهیز از جلسات بی مصرف

یک ـ پرهیز از جلسات بی مصرف

با آنکه حافظه قوی و خوش ذوقی استاد باعث شده که سفرها و مجالس و جلسات ایشان آمیخته با انواع لطایف و ظرایف مسرت بخش باشد و در نتیجه، مجلس ایشان از شیرین ترین مجلس ها و به ویژه سفر با وی، از شیرین ترین سفرها شود، پرهیز ایشان از کارهای افراطی و بی فایده از یک سو و انضباط در همه کارها، از سوی دیگر، بعضی وقت ها سبب ناراحتی و رنجش خاطر برخی دوستان و علاقه مندان شده است؛ چراکه توجه او به محدود و گذرا بودن عمر و نیز، فراوانی طرح ها و پروژه های تألیفی و تحقیقی که در راستای خدمت به دین و انجام دادن کارهای باقی مانده دارد، کار را به جایی رسانده که حتی برای میهمانی ها و دعوت های پذیرفته شده نیز، «ابتدا» و «انتها» تعیین می کند و مثلاً می فرماید: «همه زمان مهمانی، از آغاز جلوس تا پایان آن با همه مقدمات، صرف غذا و پیشوند و پسوند سفره، نباید از یک ساعت تجاوز کند!»

آیت الله محفوظی که از دوستان و همراهان استاد است، خصلت دوری از جلسات بیهوده ایشان را به گذشته دور برمی گرداند و می گوید:

ایام تحصیل ایشان، یا به تعلیم و یا به مطالعه یا نوشتن می گذشت و از عمرشان در همان زمان خوب بهره برداری می کردند. هیچ گاه مجلس ایشان به بطالت و شوخی و مانند آن برگزار نمی شد. واقعاً جدی بود، در کنار

تحصیل و در بروز دادن آنچه استفاده کرده بود و رساندن آن به دیگران.(۱)

دو ــ وسواس در صرف بیت المال

دو ــ وسواس در صرف بیت المال

صرف نظر از وسواس و حساسیت استاد در حقوق مردم و پرداخت بدهکاری های پولی(که بارها فرمود: «در مواردی من دوبار به عنوان ادای بدهی، به کسی پول دادم و مکرر مشاهده شد که پیش از هر سفری، حتی سفرهای کوتاه، با تمام کسانی که اندک طلبی دارد، تسویه حساب می کند) در مصرف بیت المال نیز وسواس درخور توجهی دارد و اهل ریخت وپاش نیست.

جالب توجه است که وسواس استاد در این زمینه، در زندگی خصوصی و خانوادگی ایشان نیز نمود یافته است و خود هم دراین باره چنین می فرماید:

سعی ام این بوده که از بیت المال کمتر استفاده کنم و به همین دلیل، قسمت عمده زندگی من در سابق، از طریق رفتن به تبلیغ در ایام ماه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان تأمین می شد. قسمتی هم از شهریه حوزه. ولی بعداً که کار تألیفات من بالا گرفت و به اصطلاح حق التألیف کتاب های من جوابگوی زندگی من بود، دیگر از شهریه مراجع هم استفاده نکردم. الان هم که به اصطلاح، دوران مرجعیت است، باز هم زندگی شخصی من از حق التألیف کتاب های من اداره می شود.(۲)

سه ــ رعایت حریم اشخاص

سه ــ رعایت حریم اشخاص

با توجه به رایج بودن غیبت و رعایت نکردن حریم آن در میان خاص و عام، بعضی از افراد، با همه کرامت ها و فضیلت ها، در مسئله رعایت حرمت اشخاص، دچار مشکلند و گاه با کمترین بهانه و احساس خطر، افشا و

۱- حیات پربرکت، صص۱۷۸و۱۷۹.

۲- حیات پربرکت، ص۲۰۰.

رسواگری را روا می دارنـد و حکم جوازش را صادر می کنند. بااین حال، حضـرت اسـتاد با همه بی مهری هایی که در موارد مختلف، از سوی عـده ای تحمل کرده، خویشـتندار بوده و هست و با وجود فراهم آمـدن زمینه مناسب برای پاسـخ گویی، مهر سکوت بر لب زده و کریمانه از کنار موقعیت به دست آمده گذشته است.(۱)

چهار ـ روحیه جمعی و کار گروهی

چهار ـ روحیه جمعی و کار گروهی

شکی نیست که جمع، «وجود سـیال فرد» است و انسان ها در درون جمع، رشد و تکامل پیدا می کنند و البته ارزش کار جمعی و پیشـرفت آن، به مراتب بیشتر از کارهای فردی است. اما از آن جا که انسان، شـیفته انـدیشه های خود و دلداده نوآوری ها و یافته های خود است، بیشتر وقت ها تحمل سلیقه ها و افکار دیگران را نـدارد و از تن دادن به کار جمعی، خودداری می کند. استاد، از پیشگامان و خط شکنان این جبهه است و خود، وقتی تجربه های دوران نویسندگی را برمی شمرد، چنین می فرماید:

اولین تجربه ام این است که به روشـنی بر مـا ثـابت شـد که کـار جمعی در همه جـا و مخصوصاً در کارهای علمی، به ویژه در نوشـتن کتـاب، بر کـار فردی بسیار برتری دارد. کتاب هایی که به صورت جمعی نوشـته ایم، یعنی با مشورت انجام شـده، هم سریع تر پیش رفت و هم پرمایه تر و مرغوب تر و مطلوب تر واقع شد. حتی اگر طرف مشاور انسان شاگردان او باشند.

پیشـرفت سـریع تفسیر نمونه و تفسـیر پیـام قرآن و مطلوبیت و مرغوبیت آن، مولود کار جمعی است. کتاب هایی را که من در عقایـد نوشـتم، قبلاًـ تـدریس کرده ام. لـذا مولـود کـار جمعی است و کتـاب فیلسوف نماهـا نیز بالأـخره نزد جمعی از فضـلا و بزرگان مطرح شد، پس به یک معنا کار جمعی است. به هر

۱- حیات پربرکت، ص ۲۰۱.

حال من توصیه می کنم که همه عزیزان نویسنده، تا می شود، کار جمعی را بر کار فردی، مخصوصاً در کار تألیف و تصنیف کتب مهم، مقدم بدارند.

ایشان همچنین در این زمینه می فرماید:

همان گونه که اشاره کردم، با تجربه های زندگی ام دریافته ام که بایدکارها به صورت دسته جمعی باشند، پیشرفت بسیار خوبی دارد و از خطا و اشتباه محفوظ تر است؛ منتها در کار دسته جمعی و گروهی، شرایطی است که سعی کرده ام با استمداد از لطف پروردگار تا آنجا که می توانم، به آن عمل می کنم و به دیگران هم توصیه می کنم. در این موارد باید انسان به نظرات دیگران احترام بگذارد، عقیده مخالف را تحمل کند، سعه صدر و اغماض داشته باشد. اگر این امور دست به دست هم بدهد، کار گروهی ادامه می یابد، ولی اگر من مطلق نگر باشم، فکر خودم را صددرصد صائب و مخالف آن را باطل بدانم و به نظرات دیگران احترام نگذارم، عقیده مخالف را تحمل نکنم و گذشت و اغماضی نداشته باشم، کار، پیشرفتی نخواهد داشت.

این جمله را باید اضافه کنم: اشخاص همیشه نکات مثبتی دارند و نکات منفی ای. کسی که هیچ نقطه منفی نداشته باشد، جز معصومان(ع) پیدا نمی شود. هر کسی نقطه یا نقاط قوتی هم دارد، ما باید همیشه دنبال معدل نمره های آنها باشیم و سر جمع نمره های صفات اشخاص را حساب بکنیم. اگر معدل خوب بود، جنبه های منفی را باید تحمل کنیم![(۱)]

پنج _ اهتمام به نامه های مردمی

پنج _ اهتمام به نامه های مردمی

استاد، مکارم شیرازی در این موضوع می فرماید:

نکته دیگری که هم جنبه شخصی دارد و هم اجتماعی، این است که من معتقدم، باید حتی الامکان به نامه های مردم جواب گفت. این نامه ها اگر ادامه پیدا کند، حلقه اتصال خوبی بین انسان و جامعه می شود. من سفارش کرده ام، بخش نامه های دفتر فعال باشد. حتی الامکان به هر نامه ای جواب داده شود و

۱- حیات پربرکت، صص ۲۰۲ _ ۲۰۴.

نگذاریم این رابطه ضعیف شود؛ چون نامه ها آگاهی زیادی از وضع جامعه به انسان می دهد و به همین دلیل، در حال حاضر حجم نامه ها زیاد است و همه روز مسئولین دفتر می آیند و نامه ها را باز می کنند و چون این نامه ها امانت های مردمند، من هرگز اجازه نمی دهم خود افراد دفتر نامه ها را باز کنند. باید تنها در حضور خود من باشد تا اینکه آنها که جنبه محرمانه و اسرار مردم را دارد، جدا بشود و آنها که جنبه سرّ و محرمانه ندارد، در همان جا از هم تفکیک شود. نامه استفتا به بخش استفتا و نامه های مربوط به تقاضای کتاب، به بخش مخصوص خودش برود. نامه های علمی روی آن نوشته شود «نامه های علمی» و به بخش پاسخ علمی برود. نامه های عادی هم به بخش عادی برود که هر کدام مسئولی برای جواب دارد، ولی امضای نهایی نامه ها و مخصوصاً استفتائات، زیر نظر خود من خواهد بود، تا بعد از تهیه شدن، آنها را کنترلی بکنم.(۱)

شش ـ روحیه اصلاح گری

شش ـ روحیه اصلاح گری

روحیه نظم استاد، وقتی با خصلت اصلاح گری ایشان آمیخته شد برکات فراوانی را برای حوزه علمیه به بارآورد. برخورداری استاد از چنین روحیه مثبتی سبب شد که از آغاز جوانی، به فکر اصلاح و تنظیم برنامه های حوزه بیفتد که در این رابطه قصه ملاقات ایشان (به اتفاق عده ای از دوستان و همراهان جوان) با حضرت آیت الله العظمی بروجردی شنیدنی و خواندنی است. داستان را به طور کامل از زبان خود استاد بشنویم:

بعد از آیت الله العظمی بروجردی و تحولاتی که به وجود آمد، همه احساس کردند که مسئله امتحان، مثلاً در حوزه ها جزو واجبات است. برای مراحل اولیه درس طلبگی باید یک برنامه ریزی دقیق بشود و مدارس تحت پوشش این برنامه ها تأسیس بشود. از جمله، آیت الله العظمی گلپایگانی، اولین مدرسه

۱- حیات پربرکت، صص۷۶ و ۷۷.

را به این سبک تأسیس کرد: برنامه منظم، ساعات درس منظم، حضور و غیاب در جلسات درس و امتحان ها و تشویق افراد و رسیدگی به زندگی طلاب.

بعدها این برنامه ها در حوزه گسترش بیشتری پیدا کرد. من فراموش نمی کنم با جمعی از همان دوستان گفتیم لازم است یک زبان خارجه هم در کنار درس ها بخوانیم. استاد خصوصی پیدا کردیم و شب ها که درس و بحث حوزوی نداشتیم، ساعتی برای برنامه درس زبان خارجه می رفتیم، ولی بعدها مسئله عمومی شد. من خودم معلم زبان خارجه ای را استخدام کرده بودم که برای عده زیادی از طلاب، در همین مدرسه امیرالمؤمنین(ع) تدریس می کرد. طلاب هم با عشق و علاقه استقبال می کردند و ما این را به عنوان مقدمه واجب، حداقل برای گروهی طلاب لازم می دانستم؛ چون هم منابع دیگران را باید بتوانیم با زبان خودشان مطالعه کنیم و هم صدای اسلام را از طریق قلم و بیان بتوانیم به اقصا نقاط عالم برسانیم. این برنامه ها در جهات مختلف، از جمله: اصلاح و تکمیل کتب درسی غیر فقه و اصول، حذف مباحث زائد از فقه و اصول، توجه به مسائل مستحدثه، توجه به مکاتب مختلف انحرافی و مذاهب ساختگی و مباحث دیگر مطرح گردید و روز به روز توجه به آن بیشتر می شد، تا آنکه انقلاب شروع شد و بحمدالله به ثمر نشست.

امام که طرفدار این برنامه ها بود، پیشنهاد تأسیس شورای عالی مدیریت را فرمودند و سفارش کرد که شورای عالی تشکیل بشود. سه نفر از طرف ایشان، سه نفر از طرف آیت الله العظمی گلپایگانی و سه نفر از جامعه مدرسین، مجموعاً نه نفر از فضلا و اساتید بزرگ حوزه این مسئله را پذیرفتند و مدتی به سامان بخشیدن به اوضاع پرداختند و بحمدالله موفقیت هایی کسب کردند. برنامه آنها که پایان گرفت، برادران جامعه مدرسین، از جمله به من پیشنهاد کردند که این مسئولیت را قبول کنم. من به دلایلی که از سخنان قبلی ام معلوم شد [یعنی واقعاً مایل بودم تحولی در حوزه به وجود آید و

آرزوی دیرینه من بود و به علاوه دیدم، جمعی از دوستان موافقتشان را با قبول این برنامه، منوط به قبول و موافقت من کردند] این مطلب را پذیرفتم.

در موقعی که در شک و تردید بودم که آیا قبول این مسئولیت با کارهای سنگین فعلی سازگار است یا نه، در حرم مقدس حضرت رضا(ع) [که جزو خادم های افتخاری ایشان، طبق مقرراتی که هست، محسوب می شوم] استخاره ای با قرآن کردم، این آیه آمد: (فَلَمّا جاوَزا قالَ لِفَتاهُ آتِنا غَداءِنا لَقَدْ لَقِينا مِنْ سَفَرِنا هذا نَصَبًا)(۱) فهمیدم کار مشکلی است، ولی درونش آب حیات است؛ به تناسب محتویات آیه شریفه. به هرحال، این را پذیرفتم و در دوره های دوم و سوم، سرپرستی شورای مدیریت را بر عهده گرفتم و بحمدالله کارهای زیادی انجام شد... . (۲)

۱- نک: کهف: ۶۲.

۲- حیات پربرکت، صص ۷۷ _ ۷۹.

فصل دوم: فعالیت های علمی و قرآنی

اشاره

فصل دوم: فعالیت های علمی و قرآنی

زیر فصل ها

۱. آثار علمی

۲. آثار قرآنی

۳. خدمات قرآنی

۴. خدمات دیگر

۱. آثار علمی

اشاره

۱. آثار علمی

آیت الله مکارم شیرازی، در طول بیش از شصت سال تألیف و تحقیق مستمر، بیش از صد و چهل جلد کتاب، در بیش از هشتاد عنوان نوشته و منتشر ساخته است که بیشتر آثار ایشان، از لحاظ تعداد مجلدات و صفحات، به قرآن کریم مربوط است. بعضی از این کتاب ها تا چهل بار تجدید چاپ و بخش زیادی از آنها به چندین زبان زنده دنیا ترجمه و منتشر شده است.

در این فصل، به فهرست آثار ایشان در زمینه های مختلف اشاره می کنیم، تا جایگاه علمی ایشان، بیش از پیش روشن تر شود.(۱) علمی بودن این دسته از کتاب ها، به معنای نفی قرآنی بودن آنها نیست، بلکه با مراجعه به این دسته از کتاب ها، درمی یابیم که به تناسب موضوع و بحث ها از آیات قرآنی بهره گرفته شده، به گونه ای که می توان گفت: تمامی آثار استاد، آثاری قرآنی است، ولی در برخی، نمود قرآنی بیشتر است و جنبه تفسیر ترتیبی یا موضوعی قرآن را پیدا کرده اند.

۱- منابع نقل آثار، کتاب های طبقات مفسران شیعه و حیات پر برکت است.

الف) کتاب های فقهی و اصولی

الف) کتاب های فقهی و اصولی

در این بخش، کتاب های زیر منتشر شده است:

ـ البیع (انوار الفقاهه) با ویرایش جدید؛

ـ المکاسب المحرمه (انوار الفقاهه) با ویرایش جدید؛

ـ الحدود و التعزیرات، جلد اول (انوار الفقاهه) با ویرایش جدید؛

ـ الخمس و الانفاق (انوار الفقاهه)؛

ـ النکاح (با ویرایش جدید)؛

ـ القواعد الفقهیه (۲ جلد) با ویرایش جدید؛

ـ تعلیقات علی العروه (۲ جلد)؛

ـ انوار الأ صول (۳ جلد) با ویرایش جدید؛

ـ ربا و بانکداری اسلامی؛

ـ بررسی طرق فرار از ربا؛

ـ تعزیز و گستره آن؛

ـ حیله های شرعی و چاره جویی های صحیح؛

ـ بحوث فقهیه هامه؛

ـ دائره المعارف فقه مقارن؛

رساله توضیح المسائل و رساله‌های علمیه دیگری مانند:

(احکام جوانان؛

(احکام بانوان؛ (فارسی ـ عربی)

(یک هزار مسئله فقهی که به زبان های فارسی، عربی، انگلیسی، چینی، اردو، روسی و ترکی آذربایجانی منتشر شده است.

ـ مناسک حج؛ (فارسی ـ عربی ـ اردو)

ـ مناسک چهار حاشیه؛ (حواشی برخی آیات عظام و حضرت استاد) بر مناسک امام رحمه الله

ـ عمره مفرده؛

ـ حج بانوان؛

ـ مناسک جامع حج؛

ـ استفتائات جدید (۳ جلد)؛

این کتاب به زبان عربی با عنوان الفتاوی الجدیده نیز منتشر شده است.

ـ حکم الأضحیه فی عصرنا؛

ـ چند نکته مهم درباره رؤیت هلال؛ (به زبان عربی حول رؤیه الهلال)

ب) کتاب های اعتقادی و کلامی

ب) کتاب های اعتقادی و کلامی

کتاب های حضرت استاد، مربوط به بخش عقاید است که برخی از آنها چنین نام دارند:

ـ در جست وجوی خدا؛

ـ آفریدگار جهان؛

ـ خدا را چگونه بشناسیم؛

ـ رهبران بزرگ؛

ـ قرآن و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله ؛

ـ معاد و جهان پس از مرگ؛ (المعاد و عالم الأخره، ترجمه به عربی)

ـ عقیده یک مسلمان؛

ـ پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان؛

ـ چهره اسلام در یک بررسی کوتاه؛

ـ آنچه از اسلام باید بدانیم (اسلام در یک نگاه)؛

ـ مسئله انتظار؛ (این کتاب به زبان اردو نیز ترجمه و نشر شده است).

ص:۴۶

ــ مناظرات تاریخی امام رضا(ع)؛

ــ مقدّمه‌ای بر کتاب «وحی»؛ این کتاب به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب وحی به دستور مرحوم استاد علامه طباطبائی رحمه الله نگاشته شد که از خود کتاب، مشروح‌تر است. به همین دلیل، به صورت جداگانه به چاپ رسیده است.

ــ حکومت جهانی مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ؛

ــ انگیزه پیدایش مذاهب، با ویرایش جدید؛

ــ این است آیین ما؛

ــ جلوه حق؛

ــ اعتقاد ما؛

ــ آیات ولایت؛ (نام کتاب در ترجمه عربی: آیات الولایه).

ج) کتاب های فلسفی

ج) کتاب های فلسفی

در این زمینه، کتاب های زیر را می‌توان نام برد:

ــ فیلسوف نماها؛

این کتاب، دومین اثر حضرت استاد است که در دوران جوانی ایشان به چاپ رسیده است.

ــ بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم؛

ــ پایان عمر مارکسیسم؛

ــ مکتب‌های التقاطی؛ (التقاط و التقاطی ها)

ــ آخرین فرضیه تکامل : نقدی بر نظریه معروف داروین و هم فکران او؛

ــ معمّای هستی؛

ـ عود ارواح (ارتباط با ارواح). مسئله تناسخ و بازگشت دوباره ارواح و امکان ارتباط با ارواح (این کتاب به زبان عربی، با عنوان الاتصال بالارواح بین الحقیقه و الخیال منتشر شده است).

د) کتاب های اخلاقی

د) کتاب های اخلاقی

در این بخش، کتاب های زیر به قلم حضرت استاد نوشته شده است:

ـ اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (۲ جلد) شرح خطبه همّام؛

ـ جامعه سالم در پرتو اخلاق؛

ـ زندگی در پرتو اخلاق؛

ـ یک صد و پنجاه درس زندگی؛

ـ انوار هدایت؛

ـ ۱۱۰ سرمشق از سخنان حضرت علی(ع).

هـ) فلسفه احکام و پاسخ به سؤالات

هـ) فلسفه احکام و پاسخ به سؤالات

در این بخش، حضرت استاد درباره قسمتی از احکامی که فلسفه آن برای بسیاری از مردم روشن نیست، بحث و بررسی و حکمت آن را به زبان روز بیان کرده است، از جمله:

ـ تقلید یا تحقیق؛

ـ خمس، پشتوانه استقلال بیت المال؛

ـ تفسیر به رأی؛ (علوم قرآنی)

ـ تقیّه، سپری برای مبارزه؛

ـ فلسفه روزه؛ (مربوط به قرآن)

ـ فلسفه شهادت (و گریه برای شهیدان کربلا)؛

ـ پرسش‌ها و پاسخ ها (۴ جلد)؛

این کتاب، با همکاری حضرت آیت الله سبحانی تألیف یافته است.

و) شرح بر نهج البلاغه

و) شرح بر نهج البلاغه

ـ پیام امام امیرالمؤمنین(ع) (۶ جلد)؛

به گفته حضرت استاد، نهج البلاغه کتابی است که مانند خود امیرمؤمنان(ع) مظلوم است، گرچه جمعی از محققان بزرگ کوشیده‌اند که در شرح خود بر نهج البلاغه، اسرار کلمات مولا را بشکافند و آن را در معرض دید طالبان و عاشقان بگذارند ـ که تلاش ها و کوشش هایشان سزاوار تقدیر است ـ این شرح ها بسیار محدود و کم است و بیشتر آنها به زبان امروز نگاشته نشده است.

ز) گوناگون

ز) گوناگون

ـ مفاتیح نوین؛ (این کتاب، گام دومی است برای مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی).

ـ قرآن و حدیث؛ (درباره حدیث ثقلین)

ـ نامه های نورانی فاطمه زهرا(س)؛

ـ زهرا(س)، برترین بانوی جهان؛ (شرح خطبه های حضرت زهرا(س))

ـ خطوط اصلی اقتصاد اسلام؛

ـ مدیریت و فرماندهی در اسلام؛

ـ معراج، شقّ القمر و عبادت در قطبین؛

ـ نماز، مکتب عالی تربیت؛

ـ جوانان را دریابید؛

ـ سرگرمی‌های خطرناک؛

ـ این مسائل برای همه جوانان مطرح است؛

ــ ارزش‌های فراموش شده؛ (مجموعه‌ای از سرمقاله‌های مهم و ماندگار مجلّه مکتب اسلام)

ــ اسرار عقب ماندگی شرق؛

ــ طرح حکومت اسلامی؛

ــ مشکلات جنسی جوانان.

کتا ب های بالا، بخش عمده آثار قلمی ایشان است؛ افزون بر اینها صدها مقاله و مقدمه و تقریظ بر کتاب‌ها از قلم حضرت استاد تراوش کرد که اگر همه آنها گردآوری شود، منبع گسترده‌ای برای حق جویان و اندیشمندان خواهد بود.

چنان که مشاهده می کنید، بسیاری از آثار ایشان در موضوع های اعتقادی و اخلاقی، با آیات و معارف قرآن ارتباط نزدیک دارد.

۲. آثار قرآنی

اشاره

۲. آثار قرآنی

زیر فصل ها

الف) تفسیر نمونه

ب) تفسیر پیام قرآن

ج) اخلاق در قرآن

د) دیگر آثار قرآنی

الف) تفسیر نمونه

اشاره

الف) تفسیر نمونه

این تفسیر، نتیجه تلاش مستمرّ پانزده ساله(۱) حضرت استاد، با همکاری جمعی از فضلا و علمای حوزه علمیه قم (حجج

۱- در پایان جلد بیست و هفتم تفسیر نمونه چنین آمده است: بارالها! نمی دانیم چگونه شکر این نعمت بزرگ را به درگاه تو بگزاریم که بر ما منت نهادی و این افتخار بزرگ و توفیق را نصیب کردی که در این ساعت و بعد از حدود پانزده سال این تفسیر را به پایان برسانیم. خدایا! تو می دانی در این لحظه، نشاطی توصیف ناپذیر، شادمانی و شعفی آمیخته با شکر در سراسر وجود ما موج می زند، احساسی که با هیچ بیانی توانایی شرح و شکر آن را نداریم، دست به درگاهت برمی داریم و عرض می کنیم: «آفریدگارا! ممکن است در تفسیر این آیات گرفتار لغزش هایی شده باشیم، تو همه آنها را بر ما ببخش و امیدواریم بندگان تو نیز بر ما ببخشند». و در آخرین جمله عرض می کنیم: «ای خدای رحیم و مهربان، این خدمت ناچیز را از همه ما به کرمت قبول فرما، و ذخیره معاد و روز جزای ما قرار ده و آخِرُ دعوانا أَنِ الحَمْدُ لِلّهِ رَبّ ِ الْعالَمینَ، پایان سوره ناس و پایان جلد بیست و هفت در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۶۶ برابر با هشتم ذیقعده ۱۴۰۷ قمری، تفسیر نمونه پایان یافت. (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۷، با همکاری جمعی از دانشمندان، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، چ ۱۲).

محمدجعفر امامی، عبدالرسول حسنی، سید حسن شجاعی، محمود شجاعی، محسن قرائتی و محمد محمدی) است که زیر نظر ایشان، این کار مهم به سامان رسیده است.

یک _ انگیزه نگارش تفسیر نمونه

یک _ انگیزه نگارش تفسیر نمونه

قلم روان استاد در سنگر تألیف و تحقیق نیز همانند بیان روان ایشان در کرسی تدریس، فعال و با نشاط بوده و هست و در اصل، انگیزه مهم تألیف کتاب نفیس تفسیر نمونه، ارائه تفسیری به زبان فارسی روان و به دور از پیچیدگی بوده است؛ ایشان می فرماید:

بد نیست انگیزه تألیف تفسیر نمونه را عرض کنم، بسیاری از جوانان دانشگاهی و فرهنگی می آمدند و از ما سؤال می کردند که ما یک تفسیری به زبان فارسی که مسائل روز در آن منعکس باشد و خالی از پیچیدگی باشد لازم داریم، به ما معرفی کنید که کدام تفسیر را مطالعه کنیم. من فکر می کردم و بعضی از تفسیرهای فارسی را معرفی می کردم، ولی معتقد بودم مشکل آنها حل نمی شود.

طبیعی است که وقتی انسان تقاضایی ببیند و ملاحظه کند که مشکل، به وسیله آنچه موجود است حل نمی شود، مسئولیت سنگین بر دوش او می افتد که باید دامن همت به کمر ببندد و اقدامی کند. اینجا بود که به فکر نوشتن تفسیری به زبان فارسی افتادم؛ تفسیری که تمام دقایق تفسیری در آن باشد، درعین حال روان و ساده هم باشد و مسائل و مشکلات روز نیز، در آن مطرح باشد... و آرزوی ما این بود که اثری به وجود آید، هم برای علما و فضلا مفید باشد و هم برای توده مردم و مخصوصاً جوانان تحصیل کرده و قشر دانشگاهی. تصدیق می کنید جمع کردن بین اینها کار آسانی نیست، بلکه یک توفیق الهی و ویژه ای لازم دارد و بحمدالله این کار انجام شد، لذا غالباً افرادی که به ما برخورد می کنند، می گویند: این منظور در این تفسیر، تأمین شده

است.(۱)

دو _ ساختارتفسیر نمونه

دو _ ساختارتفسیر نمونه

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:

اول _ ابتدا کلیاتی مانند مکان و زمان نزول، محتوای سوره و ثواب و فضیلت سوره را نقل می کند. متأسفانه بسیاری از تفسیرها در بحث سوره شناسی با مشکل جدی روبه رو هستند و برخی از آنها بدون کوچک ترین توجهی به شناخت کلی سوره و مشخصات آن، سراغ تک تک آیات می روند. حال آنکه هر سوره ای مجموعه ای به هم پیوسته است مشخصاتی که دارد، باعث جدایی آن از سوره های دیگر شده است و شناخت هر چه بیشتر این مشخصات، در تفسیر تک تک آیات اثر می گذارد.

ازاین رو، تفسیرهایی چون المیزان و نمونه، نخست به سیمای کلی سوره و مشخصات نزول و محتوا و موضوع ها و غرض سوره توجه داشته اند و سپس تفسیر آیات را هماهنگ با آن نگاه کلی پیش برده اند. البته اگر در گام های تکمیلی تفسیر نمونه عنایت بیشتری به بخش سوره شناسی داشته باشند و از آنچه هست کامل تر کنند، بسیار کار باارزشی است.

دوم _ ذکر چندین آیه هم موضوع: از دسته بندی آیات و توجه به ساختار سوره ها در بسیاری از تفسیرها غفلت شده و نگاه جداگانه ای به آیات، جای نگاه ارتباطی را گرفته است، به گونه ای که در برخی تفسیرها، آیات به صورت تک تک بیان می شود و بدون لحاظ سیاق واژگان و روابط لفظی و محتوایی آیه با قبل و بعد خود، شروع به تفسیر آیه می کنند. این کار، افزون بر اینکه بسیاری از ظرافت های معنایی را از چشم مفسر پنهان می کند، گاه وی را در

۱- حیات پر برکت، ص ۸۶.

فهم متن با خطا و مشکل روبه رو می کند. تفسیر نمونه از جمله تفسیرهایی است که در حد توان سعی کرده روابط آیات و دسته بندی های موضوعی آیات را لحاظ کند و آیاتی که موضوع واحد دارند را در کنار هم بیاورد.

سوم ــ ترجمه آیات: با توجه به اینکه ترجمه آیات در تفسیر نمونه چندمرحله ای بوده و ترجمه کامل پس از پایان تفسیر آیه نگارش شده است، می توان گفت از دقت کافی در محتوا برخوردار است. ولی در تنظیم نهایی تفسیر نمونه، این طبیعی است که ترجمه پیش از بحث های دیگر مربوط به آیه مطرح شود.

چهارم ــ شأن نزول سوره: با توجه به آمیختگی اسناد روایات مربوط به شأن نزول، مفسر باید دقت فراوانی کند که اعتبار این نقل ها را به دست آورد و این مهم در تفسیر نمونه مشاهده می شود.

پنجم ــ تفسیر آیاتی که ترجمه آن آمده است: در تفسیر نیز به فراخور محتوای آیه، از آیات دیگر متناسب با آیه و روایات معصومان(ع) استفاده شده است.

ششم ــ پس از تفسیر آیه، معمولاً نکته هایی علمی و معرفتی که در آیه نهفته است به طور مختصر بیان می شود.

هفتم ــ بیان مسائل علمی و اجتماعی مرتبط با موضوع آیات، مانند اول سوره یوسف که پس از ذکر تفسیر نخستین آیات، به موضوع «نقش داستان در زندگی انسان ها»(۱) می پردازد.

سه ــ تفسیر نمونه از نگاه قرآن پژوهان

اشاره

سه ــ تفسیر نمونه از نگاه قرآن پژوهان

زیر فصل ها

آیت الله شیخ محمد هادی معرفت (فقیه و نظریه پرداز علوم قرآن و تفسیر)

سید محمدعلی ایازی (از قرآن پژوهان نامی معاصر)

دکتر عقیقی بخشایشی (مؤلف طبقات مفسران شیعه)

آیت الله شیخ محمد هادی معرفت (فقیه و نظریه پرداز علوم قرآن و تفسیر)

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۳.

«این تفسیر تدوین گردیده تا مایه تغذیه فکری مردم عصر حاضر باشد. بنابراین، مهم ترین موضوعات اسلامی و تربیتی و اخلاقی در آن گنجانده شده و متناسب با فهم عامه مردم تنظیم و نگارش شده است. با این خصوصیات، این تفسیر خدمتی بزرگ در راه نشر علوم دینی در میان عامه مردم است».(۱)

سید محمدعلی ایازی (از قرآن پژوهان نامی معاصر)

سید محمدعلی ایازی (از قرآن پژوهان نامی معاصر)

«تفسیر نمونه از متداول ترین تفسیرهای فارسی عصر ماست که به زبان ساده و گویا و قابل استفاده برای عموم به نگارش درآمده و مورد استقبال گروه های مختلف قرار گرفته است. این تفسیر کامل، شاملِ تمام قرآن و در ۲۷ جلد، با ویژگی عصری و اجتماعی بودن، در میان قرآن پژوهان مطرح است؛ زیرا مناسب با نیازها و پرسش های عصر، پیام قرآن را تبیین کرده و با زبان روز سخن گفته و از مباحث فنی و کلاسیک ادبی پرهیز کرده است.

جلوه دیگر این تفسیر، در گرایش به جنبه های هدایتی و تربیتی است که مؤمنان آن را تعقیب می کنند. در روش ارائه مطالب و تحلیل و ذکر وجوه و احتمالات، از تفسیرهایی همچون المیزان علامه طباطبائی و تفسیر مراغی اثر پذیرفته است. شیوه ارائه مطالب چنین است که در آغاز، پس از بیان نکات کلی و عام در هر سوره، به فضای حاکم بر سوره، سبک و سیاق و موضوع های مهم مطرح شده در سوره اشاره می شود، آن گاه به مضمون آیه پرداخته و با روش بیانی و تحلیلی در تفسیر، مسائل زندگی و هدایت انسان تشریح می گردد.

۱- محمدهادی معرفت، التفسیر و المفسرون، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ هـ .ق، ج ۲، ص۴۷۶.

نمونه، از تفسیرهای علمی معاصر به شمار می آید. مفسران این کتاب، آیاتی را که مربوط به آفرینش انسان، حیوان، آسمان ها، زمین و جهان طبیعت است تفسیر علمی می کنند و با آیاتی که اشاره هایی به نظریه ها و اکتشافات جدید دارد، منطبق می سازند. این تفسیر بارها چاپ و به زبان انگلیسی، اردو و عربی ترجمه شده است».(۱)

دکتر عقیقی بخشایشی (مؤلف طبقات مفسران شیعه)

دکتر عقیقی بخشایشی (مؤلف طبقات مفسران شیعه)

«این تفسیر مبارک، امروز یکی از رایج ترین و مقبول ترین تفسیرهای شناخته شده در مجامع مذهبی و علمی جهان اسلام می باشد که با ابتکار و اشراف استاد بزرگوار و محقق نامی حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی، با همیاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزه علمیه قم، تألیف و در ۲۷ جلد وزیری به زبان های زنده دنیا ترجمه و منتشر شده است. رمز موفقیت این تفسیر پس از پشت سر نهادن تجربه های ارزنده ای که تفسیر گران سنگ المیزان به یادگار نهاده بود، مرهون سه عامل اساسی زیر می باشد که در دیگر تفاسیر به این صورت وجود ندارد:

الف) این تفسیر به زبان ساده و روان و بیان جذاب و شیرین و رسا تنظیم و با خواننده خویش، صمیمی و یک زبان و یکدل می باشد.

ب) این تفسیر به موضوع ها و مسائل مورد نیاز جامعه امروز، اعم از مسائل اجتماعی، اعتقادی، فلسفی، تربیتی و اخلاقی روز، پرداخته است.

ج) تفسیر نمونه در یک موقعیت خاص وجود، خلأ و نیاز شدید جامعه در دوران پیروزی انقلاب اسلامی انتشار یافت و گروهی بودن کار آن (هر چند که در نهایت به یک فرد و یک محور باز می گشت) اطمینان و اعتماد

۱- سید محمدعلی ایازی، سیر تطور تفاسیر شیعه، قم، مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، ۱۳۷۹، چ۱، صص ۱۹۰و۱۹۱.

بیشتری را جلب نموده و توانست به خواسته های مردم قرآن دوست در حد امکان پاسخ دهد».(۱)

این تفسیر در سال ۱۴۰۰ هـ .ق منتشر و مجلدات اخیر آن، در سال های ۱۴۱۴ هـ .ق به پایان رسیده است. این تفسیر با استفاده از تفسیرهای معروف شیعه و اهل سنت، علی الخصوص تفسیرهای: مجمع البیان، التبیان، المیزان، الصافی، نورالثقلین و تفسیر برهان و از تفسیرها عامه: روح المعانی، المنار، فی ظلال قرآن، قرطبی، اسباب النزول واحدی، مراغی، مفاتیح الغیب و روح الجنان، تنظیم و نگارش یافته است و این بهره گیری در نوع خود کم سابقه بوده است و در این تفسیر مقتضیات زمان و نیازهای جامعه اسلامی و مشکل گشایی آنها از طریق وحی، مد نظر بوده است».(۲)

دکتر سید رضا مؤدب (از قرآن پژوهان معاصر)

«این تفسیر، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی و به یاری جمعی از فضلای حوزه علمیه قم نگاشته شده است. این تفسیر برای پاسخگویی به مسائل و پرسش های معاصر تدوین(۳) و مباحث تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در آن، متناسب با ذوق و سلیقه نسل جوان و دانشجویان تهیه شده است. در تفسیر هر بخش از آیات، نکته های عام و کلی با روش تحلیلی و اجتماعی بیان و به کمک روایات معصومان(ع) و اسباب نزول بررسی شده است. در ذیل آیات علمی ـ تجربی، مباحثی در تبیین آنها آمده است تا خواننده بیشتر به اهمیت کتاب آسمانی قرآن پی ببرد.

۱- عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلامی، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۵، ص۵۱.
۲- عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلامی، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۵، صص ۵۱ و ۵۲.
۳- التفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۴۷۵ و۴۷۶.

تفسیر نمونه از تفسیرهای بزرگ، مانند مجمع البیان و المیزان نقل قول کرده و آنها را مرجع خود قرار داده است. این تفسیر به مباحث روایی نیز پرداخته و با توجه به تناسب آیات و موضوع های قرآنی، به پرسش های موجود پاسخ داده است. این تفسیر با پرهیز از نقل اسرائیلیات به نقد آنها پرداخته است».(۱)

«تفسیر نمونه بیشتر گرایشی اجتماعی دارد. در تفسیر اجتماعی، از منظر پدیده ها و حوادث اجتماعی، به آیات نگریسته می شود و آیاتی که به مسائل اجتماعی پرداخته اند، تحلیل می شوند. آنان معتقدند، هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن به بیان مسائل اجتماعی نپرداخته و مسائل مربوط به زندگی اجتماعی انسان را از منظر الهی بیان نکرده است. همچنین هیچ کتاب آسمانی مانند قرآن، رابطه انسان ها را با یکدیگر در زندگی فردی و اجتماعی و رابطه انسان با خدا را تحلیل نکرده است. بیشتر تفسیرهای اجتماعی، به مسائل تربیتی نیز پرداخته اند، هر چند برخی در تفسیرشان از گرایش دیگری بهره برده اند».(۲)

چهار ـ ویژگی های رسانه ای تفسیر نمونه

چهار ـ ویژگی های رسانه ای تفسیر نمونه

در رسانه ها، به ویژه رسانه صدا و سیما، به خاطر تنوع مخاطبان و حساسیت منابع اطلاع رسانی، نیاز به تبیین قرآن با زبانی روان و با توجه به نیازهای اجتماعی معاصر است. براین اساس، صدا و سیما نیاز به تفسیری رسانه ای دارد، که هم در توجه به موضوع های جدید دارای شاخص های مطلوب باشد و هم در نوع بیان و ارائه مطالب، جدید و متناسب با ادبیات روز جامعه و به دور از پرگویی ملال آور و خلاصه گویی اخلال کننده باشد. بنابراین، مقصود از

۱- دکتر سید رضا مودب، روش های تفسیر قرآن، قم، انتشارات اشراق دانشگاه قم، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۲۹۸.

۲- دکتر سید رضا مودب، روش های تفسیر قرآن، قم، انتشارات اشراق دانشگاه قم، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۲۷۹.

قید رسانه ای، ناظر به روش این تفسیر نیست، بلکه به روش ارائه و طراحی آن مربوط می شود.

اگرچه تاکنون تفسیری خاص با نگارش رسانه ای تدوین نشده است، اما در میان تفسیرهای موجود، تفسیر نمونه از جمله آنهایی است که گام های مهمی از رسانه ای شدن تفسیر را برداشته است. این تفسیر که با زبان و بیان روان فارسی و به دور از اصطلاحات تخصصی علوم قرآنی و تفسیری گردآوری شده است و نیاز های به روز و پرسش های نسل جوان و دانشگاهی را در نظر داشته است، بخش مهمی از مسیر رسانه ای شدن را پیموده است.

لازم و شایسته است که آیت الله مکارم شیرازی و هیئت همکار تفسیر نمونه برای تدوین رسانه ای تفسیر نمونه گامی بردارند و زمینه ای ایجاد کنند تا معارف قرآن در بزرگ ترین دانشگاه عمومی و رسانه ملی در اختیار تمام علاقه مندان قرار گیرد.

پنج ـ نفوذ چشم گیر تفسیر نمونه در جهان

پنج ـ نفوذ چشم گیر تفسیر نمونه در جهان

استاد، مکارم شیرازی با اشاره به نفوذ چشم گیر و تأثیر گسترده ای که این تفسیر در نشر فرهنگ قرآنی و معارف شیعی پیدا کرده است، می فرماید:

فقط در یک جمله کوتاه عرض می کنم، یکی از برادران نقل کرده است: پروفسوری که استاد دانشگاه کانادا بود و معارف اسلامی را در آنجا تدریس می کرد، می گفت: «منبع اصلی من در تدریس معارف اسلام در آن دانشگاه همین تفسیر نمونه است» و مرحوم حجت الاسلام حاج سیدحسین نجفی پاکستانی که مرد بسیار پرکار و مخلصی بود و تمام مجلدات تفسیر نمونه را به زبان اردو ترجمه کرده است، برای من نقل می کرد که یکی از علمای اهل سنت اردوزبان به ایشان گفته بود: «من کتاب های علمای شیعه را مطالعه نکرده بودم، جلد اول تفسیر نمونه به زبان اردو به دستم افتاد،

مطالعه کردم و به من ثابت شد که علوم اسلام نزد شیعه هاست!.(۱)

شش ـ معرفی همکاران آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و...۱

اشاره

شش ـ معرفی همکاران آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و...(۲)

جمعی از فضلا در پیدایش تفسیر نمونه با استاد آیت الله مکارم شیرازی همکاری نزدیک داشته اند و این همکاری در هفته ای دو بار با تشکیل جلسه های منظم و مرتب، ادامه داشته است.

اول ـ حجت الاسلام والمسلمین محمدجعفر امامی شیرازی رحمه الله

ایشان در تیر ۱۳۲۲، برابر با اول شوال ۱۳۶۰ هـ .ق، در لایزنگان از توابع داراب فارس در خانواده ای مذهبی، از پیروان خط فکری مجاهد نستوه آیت الله عبدالحسین موسوی لاری به دنیا آمده است. نخست در مکتب خانه، سپس در مدارس ابتدایی و آن گاه در حوزه علمیه ای که زیر نظر آیت الله حاج سید محمدعلی نسّابه اداره می شد، تحصیلات خود را پی گرفت. سپس عازم حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله حسین نوری همدانی، آیت الله محمدتقی صدیقین و آیت الله مکارم شیرازی، استفاده کرد. دروس خارج را از حوزه درس آیات عظام، گلپایگانی، آملی و حائری فراگرفت، ولی عمده تحصیلات فقه و اصول را از محضر آیت الله مکارم شیرازی، استفاده کرده و فلسفه را از آیات، حسن زاده آملی و جوادی آملی بهره برده است.

نویسندگی را زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی فراگرفت و سپس با شرکت در جلسات ده نفره تفسیر نمونه، از سال ۱۳۶۵ تا پایان آن، ادامه داد. بیش از ۳۲ اثر از ایشان چاپ شده است. تألیفات قرآنی ایشان عبارتند از:

۱- حیات پربرکت، ص ۸۷.

۲- این بخش از مطالب، از نرم افزار تخصصی جامع التفاسیر نور گرفته شده است.

ـ شرکت در تدوین تفسیر نمونه؛

ـ همکاری در تدوین تفسیر پیام قرآن؛ (تفسیر موضوعی براساس تفسیر نمونه)

ـ قرآن و حدیث؛

ـ تفسیر به رأی؛

ـ تأثیر قرآن بر علوم؛

ـ مفتاح التفسیر الموضوعی (آیات مستخرجه از بحارالانوار).

دوم ـ حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدرضا آشتیانی

در سال ۱۳۱۹ هـ .ق، در آشتیان به دنیا آمد. پدرش او را به مکتب فرستاده و در سال ۱۳۳۸ هـ . ق، به مدرسه علمیه صاحب الامر عج الله تعالی فرجه الشریف آشتیان وارد شد و ادبیات عرب را در آنجا فراگرفت. در سال ۱۳۴۲هـ .ق، راهی حوزه علمیه قم شد و دروس سطح را نزد اساتید معظم: آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آیت الله فاضل لنکرانی به پایان برد و دوره خارج فقه و اصول را نزد آیت الله مکارم شیرازی به سرانجام رساند. در سال ۱۳۵۱ هـ . ق، به شورای نویسندگان تفسیر نمونه، دعوت شد و آغاز به کار کرد. بیش از ۱۴ تألیف از ایشان بر جای مانده است. فعالیت ها و تألیف های قرآنی ایشان عبارتند از:

ـ شرکت در تدوین تفسیر نمونه؛

ـ شرکت در تدوین پیام قرآن (تفسیر موضوعی براساس تفسیر نمونه)؛

ـ تاریخ تفسیر قرآن کریم؛

ـ تفسیر به رأی.

سوم ـ حجت الاسلام سیدحسن شجاعی کیاسری

ایشان، شب دوشنبه ۲۵/۱۲/۱۳۲۰ در روستای کیاسر، مرکز بخش چهاردانگه از توابع ساری، در خانواده ای روحانی، دیده به جهان گشود، در دهه دوم عمر خود به حوزه علمیه نکا رفت. سپس راهی کوهستان و حوزه علمیه آیت الله کوهستانی شد و بعد از مدتی به قم عزیمت کرد. ایشان ضمن تعلیم و فراگیری فقه و اصول در سطوح عالی حوزه، به بحث و تحقیق در کلام، فلسفه، جامعه شناسی، اقتصاد و تفسیر قرآن پرداخت، بدین جهت، در کنار نویسندگان تفسیر نمونه قرار گرفت.

چهارم _ حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدی اشتهاردی

ایشان در بهمن ۱۳۲۳ در اشتهارد کرج متولد شد. پس از پایان دوره ابتدایی و تحصیل مقدمات و ادبیات، در زادگاه خود، سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم پا نهاد و پس از اتمام سطوح مختلف حوزه، بیش از ده سال در درس خارج فقه شرکت کرد. سیمای بلال حبشی، اولین کتاب او به سال ۱۳۴۷ منتشر شد. بیش از ۱۰۰ عنوان تألیف و ترجمه از ایشان چاپ شده است. پژوهش های قرآنی وی عبارتند از:

_ شرکت در تدوین تفسیر نمونه؛

_ شرکت در تدوین تفسیر موضوعی پیام قرآن؛

_ نماز از دیدگاه قرآن و عترت و...

ایشان در تابستان سال ۱۳۸۷ به دعوت حق لبیک گفتند و جامعه قرآنی را عزادار کردند.

پنجم _ شهید حجت الاسلام و المسلمین سید نورالله طباطبایی نژاد

در سال ۱۳۱۹ در شهر اردستان به دنیا آمد. پدرش مردی وارسته و روحانی بود و از سوی حضرت آیت الله بروجردی رسیدگی به امور دینی

مردم را در اصفهان به عهده داشت. تحصیلات کلاسیک را در اردستان گذراند و به قصد فراگیری علوم اسلامی، راهی قم شد. مدت ۲۲ سال تحصیل در قم را به فراگیری دروس سطوح مختلف حوزه، اشتغال داشت. از اساتیدی مانند: امام خمینی رحمه الله، آیت الله گلپایگانی، و آیت الله وحید خراسانی و... بهره مند شد و به گروه نویسندگان تفسیر نمونه پیوست. قبل از انقلاب بارها تحت تعقیب بود و به زندان افتاد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی از زندان آزاد شد. در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، به عنوان نماینده از طرف مردم اردستان، انتخاب شد و در ۷ تیر ۱۳۶۰، به همراه شهید بهشتی و یارانش، به شهادت رسید.

ششم ـ حجت الاسلام و المسلمین عبدالرسول حسنی اردکانی

در سال ۱۳۲۱ در سپیدان (اردکان فارس) در خانواده ای علاقه مند به اهل بیت(ع) دیده به جهان گشود. پس از گذران دوران ابتدایی به حوزه علمیه اردکان فارس رو آورد. سپس به سال ۱۳۳۸ به شیراز رهسپار و در مدرسه آقا باباخان، مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۴۲، به حوزه علمیه قم آمد و از اساتید بزرگوار دروس سطح آن زمان، مانند آیت الله شیخ جعفر سبحانی، آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی بهره برد. در دوره اول و دوم درس خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرد و یک دوره تقریرات درس ایشان را به رشته تحریر درآورد. از اساتید دیگری چون آیت الله گلپایگانی، آیت الله محقق داماد، آیت الله حسین نوری و آیت الله محمدی گیلانی، بهره فراوانی برده است.

با عضویت در هیئت تحریریه تفسیر نمونه، تحقیقات قرآنی خود را آغاز کرد و از سال ۱۳۵۰ تا پایان کار که در سال ۱۳۶۶ بود، با پشتکار و جدیت

زیادی به آن ادامه داد و از سال ۱۳۶۱ به بعد نیز هم زمان، به تدریس دروس معارف در مراکز آموزش عالی مشغول شد.

هفتم _ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

از دیگر همکـاران تفسـیر نمونه آقای قرائتی کاشانی است. ایشان در پانزده سالگی به حوزه علمیه رو آورد. دروس مقـدمات و سطح و چند سال درس خارج را به راحتی گذراند و تصمیم گرفت که همت خود را برای احیای قرآن و رفع مهجوریت از آن صرف کند. بدین منظور از ده سال قبل از انقلاب، تحقیق در تفسـیر و تفسـیر پژوهی را آغاز کرد. پانزده سال در تألیف تفسـیر نمونه همکاری داشت و از طریق شـهید مطهری رحمه الله به تلویزیون راه یافت. کمتر کسی است که برنامه های تفسیری رادیو یا تلویزیونی ایشان را در دو دهه بعـد از انقلاب نشـنیده یا ندیده باشد. وی تبلیغات دینی را از مساجد و حسـینیه ها به مدارس، کارگاه ها، مراکز آموزش عالی و رسانه ملی، گسترش داد. هدف وی، کشاندن قرآن به صحنه زندگی مردم بود.

تفسیر صوتی را در رادیو، از سال ۱۳۷۴ آغاز و تاکنون ادامه داده است. پس از پیاده شدن و ویرایش و بازبینی، آن را به شکل تفسیر نور درآورده است که در سال ۱۳۷۶ به عنوان کتاب سال در رشته قرآن پژوهی، اعلام شد. تاکنون ده جلد از این تفسیر از سوی انتشارات مؤسسه در راه حق به چاپ رسیده است؛ از دیگر فعالیت های قرآنی وی:

_ تدوین تفسیر برای کودکان و نوجوانان؛

_ تشکیل ستاد احیای تفسیر قرآن کریم؛

_ تفسیر ویدئویی قصه های قرآن؛

_ تفسیر ویدئویی آیات قرآن؛

_ تفسیر یک آیه در ۳ دقیقه؛

_ طرح هزار سؤال، هزار جواب از قرآن و کتاب های دیگر است.

ایشان هدف خود را از تألیف تفسیر نور، نوشتن یک تفسیر صادراتی عنوان می کند که بتوان به راحتی آن را به زبان های مختلف ترجمه کرد و برای همه انسان ها با هر دین و گرایش پیام داشته باشد. بدین جهت، می گوید: «هدف من، پلاکارد کردن آیات قرآن است» و برای این منظور فقط پیام های آیات را بیان می کند، آن هم پیام های عمومی و قابل استفاده برای همه انسان ها. استاد قرائتی، پس از انقلاب در مسئولیت های متفاوتی، نمایندگی حضرت امام رحمه الله را به عهده داشت. هم اکنون نیز به عنوان نماینده ولی فقیه در نهضت سوادآموزی فعالیت دارد. ستاد نماز به همت وی (مانند ستاد احیای تفسیر و ستاد زکات) تشکیل شده است و در حال حاضر نیز فعالیت دارد.

هشتم _ حجت الاسلام والمسلمین محمود عبداللهی

متولد ۱۳۲۶ است. در سال ۱۳۴۱ وارد حوزه علمیه قم شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی، از محضر آیات عظام، اراکی، آملی، وحید خراسانی، حائری یزدی و... بهره برد. سپس به کارهای تحقیقی و تألیفی پرداخت. فلسفه را از استاد شهید مطهری و شهید مفتح، فرا گرفت. از تألیفات او عبارتند از:

_ شرکت در تألیف تفسیر نمونه؛

_ شرکت در تألیف تفسیر موضوعی پیام قرآن؛

_ توحید و توسل؛

_ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی؛

_ اخلاق برای همه.

نهم _ حجت الاسلام والمسلمین داود الهامی

در سال ۱۳۱۶ در آذرشهر آذربایجان متولد شد. بعد از گذراندن دروس مقدماتی، در سال ۱۳۳۵، وارد حوزه تبریز شد و برای تکمیل تحصیل در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم هجرت کرد. سطوح عالی را نزد اساتید معروف خواند و از مراجع بزرگ بهره برد. وی مقالات و تألیفات فراوانی دارد و از نویسندگان تفسیر نمونه بود که تا جلد هشتم در تدوین این تفسیر همکاری داشت. ایشان در سال ۱۳۷۹ رهسپار لقای ربانی شدند.

دهم ـ از دیگر همکاران تفسیر نمونه که تا جلد هشتم همکاری داشته، حجت الاسلام والمسلمین اسدالله ایمانی است .

هفت ـ طرز کار گروهی در تفسیر نمونه۱

اشاره

هفت ـ طرز کار گروهی در تفسیر نمونه(۱)

بسیاری از خوانندگان عزیز تفسیر نمونه، از قشرهای مختلف مایلند بدانند طرز کار در این تفسیر چگونه بوده و چگونه یک گروه ده نفری (و گاهی کمتر) حدود پانزده سال در یک برنامه علمی زیر نظر استاد با هم تلاش هماهنگ و مستمر داشتند. شاید شرح این برنامه بتواند به پیشرفت دیگر کارهای دسته جمعی علمی کمک کند.

باید توجه داشت کارهای وسیع و گسترده با نیروی فردی کمتر پیش می رود و اگر پیش رود، زمان بسیار طولانی لازم دارد، ولی کارهای گروهی، سریع تر، عمیق تر و هم از خطا دورتر است؛ هرچند متأسفانه در محیط ما کار گروهی کمتر انجام می گیرد و اگر انجام گیرد بیشتر وقت ها به سامان نمی رسد، درحالی که در میان بیگانگان، تقریباً اساس همه کارها بر پایه کار گروهی است و از آن نتایج بسیار گرفته اند.

۱- تفسیر نمونه، ج۲۷، صص۴۸۳ ـ ۴۸۷.

به هرحال، هدف این نیست که انگیزه های شروع تفسیر نمونه بیان شود؛ چراکه در مقدمه جلدهای مختلف این تفسیر، به قدر کافی در این زمینه صحبت شده است؛ بلکه هدف این است که شیوه و چگونگی کار در نوشتن این تفسیر تشریح شود. شاید برادران اهل علم و محققان اسلامی که به انجام کارهای گروهی مایل هستند، از این تجربه در کارهای خود بهره گیرند و مسائل اسلامی را به صورت جامع تر به اجتماع ما که تشنگی فراوانی برای آن دارد، عرضه کنند. شیوه کار را در این تفسیر می توان در چند مرحله خلاصه کرد:

اول _ تقسیم آیات

در این مرحله، استاد گران قدر و محقق توانا، آیات را بین برادران تقسیم می کرد و سهمیه هریک بین یک تا دو صفحه قرآن مجید در نوسان بود و برای هر جلد، چند بار این تقسیم آیات صورت می گرفت و به این ترتیب، مسئولیت هرکس مشخص می شد.

دوم _ مرحله کار فردی

پس از تقسیم آیات، هر نفر (و در آغاز کار، هر دو نفر با هم همکاری می کردند) وظیفه داشت تفسیرهای مختلف دانشمندان بزرگ اسلام، اعم از شیعه و اهل سنت را در رابطه با آیات سهمیه خود، مطالعه و بررسی کند و پس از مطالعه کافی، حاصل مطالعات و برداشت های خود را روی کاغذهای مخصوصی که عنوان «جلسه تفسیر» روی آن چاپ شده بود، بنویسد و تحویل جلسه دهد. تفسیرهایی که مطالعه می شد، بیشتر همان تفسیرهایی است که در آغاز هر جلد نام آنها آمده است و گاه تفسیر های دیگر.

سوم _ بررسی در جلسه مشترک

هر روز یک جلسه مشترک با حضور حضرت استاد و اعضا تشکیل می شد و جالب توجه اینکه این جلسات، هیچ گونه تعطیلی نداشت و در تمام طول سال، بدون استثنا تشکیل می شد. حتی روزهای مخصوص سوگواری و تعطیلی (مگر اینکه مسافرتی پیش می آمد) حتی در ایامی که استاد در مهاباد و در انارک نائین از سوی رژیم طاغوت در تبعید بود، کار تفسیر تعطیل نشد و دوستان به نوبت (هر ده روز دو نفر) برای ادامه کار به تبعیدگاه سفر می کردند و صبح و عصر بحث تفسیر را ادامه می دادند و در جلسه مشترک اعضا، به نوبت، نوشته خود را قرائت می کردند.

چهارم _ دقت جمعی روی تفسیر آیات

پس از قرائت نوشته های فوق، حضرت استاد نکات حساس آیات را که باید روی آن دقت شود، متذکر می شد و تمام اعضا باید آیات مورد بحث، به ویژه نکات حساس یا مبهم و پیچیده را در تفسیرهای مختلف اسلامی که در آن جلسه در دست آنها بود، بازگو کنند و اگر به نکته جالب و تازه ای برخورد کردند، بخوانند و با خلاصه گویی آن را بیان کنند. به این ترتیب، بحث و بررسی کافی روی هر آیه و هر نکته صورت می گرفت که البته در موارد اختلاف، نظر استاد مقدم و راه گشا بود.

پنجم _ تحریر و املای مطالب

پس از این مرحله، نوبت به نوشتن مطالب می رسید که در اینجا حضرت استاد، مطالب مورد بحث را با نظرات خود و یادداشت هایی که از پیش آماده کرده بود آمیخته، آنها را روی کاغذ های مخصوص جلسه تفسیر، به کمک یکی از برادران تندنویس به نگارش درمی آورد (در واقع انشا و قلم از ایشان بود).

به طور متوسط، هر روز حدود چهار صفحه تنظیم می شد. (البته در ایام تابستان و تعطیلی که در یک روز بیش از یک جلسه تشکیل می شد، ممکن بود این مقدار به ده صفحه و بیشتر بالغ شود).

ششم ـ تصحیح و بررسی

روشن است که املا در جلسه، هر قدر هم با دقت و مهارت صورت گیرد، نوشته کاملی نخواهد بود. ازاین رو، حضرت استاد نوشته ها را بار دیگر بازخوانی فرموده، هر نوع اصلاح لازم و کم و زیاد را در آن به عمل می آورد.

هفتم ـ ترجمه آیات

همان گونه که در تفسیر ملاحظه می کنید، پس از آیات، ترجمه با حروف ریز آمده و سپس تفسیر آیات ذکر شده است.

ترجمه آیات را خود استاد پس از بازخوانی و تصحیح نوشته ها می نوشت تا ترجمه کاملاً هماهنگ با تفسیر آیات باشد و اهل مطالعه بتوانند از مطالعه ترجمه، به تفسیری که برای آیات پس از جمع بندی انتخاب شده، پی ببرند و کسانی که می خواهند فقط از ترجمه قرآن استفاده کنند، بدون زحمت، ترجمه خالصی در اختیارشان باشد.

هشتم ـ مرحله حروف چینی به منظور چاپ

زمانی که مطالب تفسیر آماده چاپ شد، بعد از گرفتن فتوکپی از مطالب، در اختیار مسئول چاپ و نشر قرار گرفت. (گرفتن فتوکپی برای این بود که اگر چیزی گم شد، مشکلی برای تهیه دوباره آن پیش نیاید، به علاوه، تمام صفحه های فتوکپی، به صورت یک مجلد خطی، به طرز زیبایی در کتاب خانه ویژه مدرسه امام امیرالمؤمنین، به عنوان سند اصلی تفسیر حفظ می شد.) مسئول چاپ و نشر نیز آن را با دقت می خواند و اگر سؤال یا ابهامی در نسخه به نظرش می رسید، با حضرت استاد در میان می گذاشت.

نهم ـ آخرین تصحیح

پس از حروف چینی و چاپ مقدماتی، یک نسخه برای تصحیح و مقابله با مدارک، به جلسه تفسیر فرستاده می شد و برای کنترل دوباره در میان برادران اعضای جلسه تقدیم می گردید تا هر کدام سهم خودشان را رسیدگی کرده و اگر مطلب یا مدرکی غلط بود، اصلاح کنند و یا اگر مورد تردید واقع می شد، علامت بگذارند و فهرست را نیز تنظیم کنند و کل کار را در اختیار استاد قرار دهند.

دهم ـ بررسی دوباره

استاد یک بار دیگر غلط های اصلاح شده و فهرست را کنترل و اگر ابهامی در بعضی از مطالب وجود داشت، اصلاح می کرد و بعد از اصلاحات لازم، اجازه چاپ را می داد. پس از آن، مسئول چاپ، پس از تهیه فیلم و زینک، آن را چاپ می کرد و در اختیار مراکز نشر در تمام کشور قرار می داد.

با وجود این، چون کار وسیعی است و انسان نیز جایزالخطاست، ممکن است غلط های چاپی یا شاید اشتباه هایی در بعضی از آیات قرآن یا مطالب، باقی بماند که بیشتر خوانندگان فاضل به آن توجه می کردند و به دفتر می نوشتند. تمام این نامه ها و نظرات اصلاحی در یک پرونده جمع آوری شده تا به خواست خداوند، در چاپ های دیگر بررسی شود و اگر ایراد نابجایی در نامه ها باشد، در پاسخ نامه سوء تفاهم برداشته شود.

به همین دلیل، در اینجا بار دیگر از همه خوانندگان محترم و صاحب نظر تقاضا می شود که اگر بعد از مطالعه، به اشتباهی در هر قسمت برخورد کردند، کوتاهی نکنند و برای ما بنویسند و مطمئن باشند، اگر اشکال واردی باشد، نه تنها بدون تعصب اصلاح خواهد شد، بلکه به خاطر همکاری آنها در تکمیل این کار بزرگ، قدردانی هم خواهد شد.

هیئت همکاران تفسیر نمونه

هشت _ آثار و برکات تفسیر نمونه

اشاره

هشت _ آثار و برکات تفسیر نمونه

بسیاری از تفسیرها در خودشان می مانند و گم می شوند، اما برخی از آنها شجره طیبه ای هستند که همواره میوه می دهند و رشد می کنند. تفسیر نمونه مانند المیزان و برخی تفسیرهای دیگر، یک تفسیر محرک است و تفسیر ایستا و راکد نیست. این تفسیر در پی خود، آثاری دارد که گاه دارای اهمیتی هم پای خودش هستند. آنچه در ادامه می آید، بیان نمونه هایی از آثار و برکات ارزشمند تفسیر نمونه است.

اول _ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل

اشاره

تفسیر الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ترجمه تفسیر نمونه است. البته این تفسیر با تجدید نظر و تکمیل سندها و ارجاع های آن، در قالبی نو، نگاشته شده است. این تفسیر، یکی از رایج ترین تفسیرهای عربی شیعه در عصر حاضر است که به تازگی چاپ شده است. به دنبال تفسیر المیزان و با بهره برداری از تجربه های ارزشمند آن، ترجمه تفسیر نمونه به زبان عربی جدید، منتشر شد که به یقین، مزیت ها و حسن های بسیار و مطالب بیشتری در مقایسه با چاپ فارسی خود دارد.

با توجه به دیدگاه های سیاسی، اجتماعی و کلامی که این تفسیر دربردارد، به طور یقین، خلأ وسیع تری را پر خواهد ساخت و جهان اهل سنت و دنیای ناآگاه و ناآشنا را با افکار و اندیشه های نوین شیعه، در زمینه معارف قرآنی آشناتر خواهد کرد؛ به ویژه آنکه این تفسیر، با قلم شیوا و رسای چند تن از مترجمان باسابقه، آقایان محمدعلی آذرشب، شیخ محمدرضا آل صادق، استاد خالد توفیق عیسی، استاد سید محمد هاشمی، استاد قصّی هاشم فاخر و استاد اسد مولوی نوشته شده است.

موضوع های تازه و جالب

در تفسیر الأمثل، موضوع ها و مطالب مهم تربیتی، اجتماعی و سیاسی وجود دارد که به یقین برای خوانندگان عرب زبان، تازگی و نوآوری خواهد داشت و همین تازگی و طراوت، عامل نشر وسیع و استقبال فراوان محفل های علمی و ادبی جهان اهل سنت و دانش پژوهان معارف قرآنی، در سطح جهان خواهد شد.(۱)

دوم _ ترجمه قرآن

این ترجمه، گردآمده از ترجمه هایی است که در تفسیر نمونه در ذیل آیات آمده است. ویراستاری این ترجمه را ادیب نامی، آقای جواد محدثی، بر عهده داشته است. تحقیق و بررسی آن را هیئت علمی دارالقرآن الکریم قم به انجام رسانده اند. این ترجمه بارها تجدید چاپ شده است.(۲)

بنابراین، یکی از ثمره های مهم تفسیر نمونه، ترجمه قرآن آیت الله مکارم شیرازی است که در میان ترجمه ها از اعتبار و ویژگی های خاصی برخوردار است. با یک نگاه، ترجمه های موجود قرآن به چند دسته تقسیم می شوند:

_ ترجمه های ادبی (مانند ترجمه فولادوند، ترجمه گرمارودی و...)؛

_ ترجمه های تفسیری (مانند ترجمه براساس المیزان)؛

_ ترجمه های توضیحی (مانند ترجمه آیت الله مشکینی و ترجمه انصاریان)؛

_ ترجمه های جامع (مانند ترجمه آیت الله مکارم).

به نظر نگارنده، ترجمه آیت الله مکارم، از آنجا که مبتنی بر تفسیر نمونه است، از جمله ترجمه های تفسیری است و از آنجا که افزون بر خود ایشان،

۱- طبقات مفسران شیعه، ج ۵، صص ۲۱۲ _ ۲۱۴.

۲- طبقات مفسران شیعه، ج ۵، صص ۱۹۵ و۱۹۶.

گروهی از فضلا در دقت ادبی و روانی آن کوشیده اند، ترجمه ای جامع خواهد بود؛ زیرا در مواردی که مترجم لازم دیده است، ترجمه به شکل توضیحی نیز ارائه شده است.(۱) با این بیان، می توان گفت که این ویژگی ها در کمتر ترجمه ای در کنار هم جمع شده است. البته این کار نقص هایی نیز دارد که اینجا فرصت مناسبی برای طرح آن نیست.

سوم ـ برگزیده تفسیر نمونه

گزینش کننده آن، دانشمند محترم، آقای احمدعلی بابایی، یکی از کاوشگران معارف قرآنی در قرن پانزدهم هجری است. کتاب برگزیده او درباره تفسیر گسترده و مشهور نمونه در پنج جلد از سوی انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران به چاپ رسیده است. حجم مفصل تفسیر نمونه، در پانزده هزار صفحه، ایجاب می کرد که در این عصر گزینش ها و خلاصه نگاری ها، چکیده ای از آن تهیه شود تا افرادی که گرفتار زندگی روزمره هستند، در وقت کمتر، استفاده بهینه ای را از آن تفسیر گران مایه داشته باشند. خوشبختانه این مهم، به وسیله فاضل ارجمند آقای احمدعلی بابایی انجام شده و برگزیده تفسیر نمونه در پنج جلد در حدود سه هزار صفحه، در پی سه سال کار مداوم، فراهم آمده است. حجم برگزیده تفسیر نمونه، در حدود یک پنجم اصل آن است و دربردارنده متن ترجمه آیات و تفسیر فشرده ای از آن است.(۲) این کتاب بارها چاپ و به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است.

چهارم ـ یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ

به کمک جمعی از فضلای حوزه علمیه قم و در یک جلد کار شده که برگرفته از تفسیر نمونه است.

۱- طبقات مفسران شیعه، ج ۵، ص ۳۳۱.

۲- نک: آیت الله مکارم شیرازی، ترجمه قرآن، قم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ .

پنجم _ نماز و عبادت در تفسیر نمونه

به قلم عباس عزیزی و در یک جلد به انجام رسیده است.

ششم _ داستان های تفسیر نمونه

هفتم _ لغات تفسیر نمونه (در ۴ جلد) که یکی از بهترین کتاب های لغت قرآن است.

هشتم _ تفسیر جوان

از آنجا که نسل جوان و نوجوان، روز به روز در حال رشد و شکوفایی و نو شدن نیازها و خواسته ها و سلیقه ها هستند، تفسیرهای قرآن نیز باید این تغییرات و تحولات مخاطبان خود را در نظر داشته باشند تا بتوانند نسخه مناسبی برای آنان تهیه کنند که هم جذاب باشد و هم بتواند نیازهای معرفتی آنها را تأمین کند. براین اساس، تفسیر جوان که خلاصه ای دیگر از تفسیر نمونه است، در گامی دیگر ساده سازی شد و با بیانی روان تر، هر مجلد آن به صورت کتابی کوچک و متناسب با ذوق و سلیقه جوانان درآمد تا این قشر از مخاطبان قرآن نیز از چراغ پرفروغ آن محروم نباشند.

نهم _ مثال‌های زیبای قرآن (۲ جلد)

این کتاب، مجموعه بحث‌های تفسیر حضرت استاد در دو ماه مبارک رمضان است که به وسیله یکی از فضلای بحث ایشان (حجت الاسلام جناب آقای علیان نژادی) گردآوری، تنظیم و تحقیق شده است و مشتمل بر شصت مثال قرآنی است. این کتاب با عنوان امثال القرآن، در یک جلد به زبان عربی منتشر شده است.

ب) تفسیر پیام قرآن

اشاره

ب) تفسیر پیام قرآن

دومین اثر بزرگ قرآنی آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر موضوعی، با نام پیام قرآن است. این کار نیز همچون تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزه علمیه قم صورت گرفته است. این تفسیر، فعالیت خود را از

۲۶ محرم ۱۴۰۸ هجری قمری، برابر با ۲۹ شهریور ۱۳۶۶ آغاز و جلد دهم آن در تاریخ ۱۳۷۴، درباره حکومت و ولایت پایان پذیرفت، احتمالاً مجلد هایی نیز در پی داشته باشد.(۱)

این تفسیر در نظر برخی از محققان، تفسیر نمونه موضوعی است، ولی توجه بیشتر این تفسیر، به تفسیر قرآن به قرآن و نوآوری هایی که در آن، از لحاظ موضوعی و محتوایی صورت گرفته، باعث شده آن را تفسیری جداگانه بدانیم، گرچه تفسیر نمونه در ایجاد این کار ارزشمند، بی اثر نبوده است.

این کتاب، مقدمه ای درباره چیستی و روش تفسیر موضوعی دارد. به اعتراف نگارنده، تفسیر پیام قرآن، بدون پیش داوری درباره آیات و موضوع هایی، همچون سایه ای به دنبال آیات بوده و تمام همت این تفسیر، کشف محتوای آیات است.(۲)

ترتیب کلی موضوع های این تفسیر به صورت زیر است:

اول ــ معرفت و شناخت در قرآن مجید؛

دوم ــ خداجویی و خداشناسی در قرآن مجید؛

سوم ــ طرق معرفت الله در قرآن مجید؛

چهارم ــ صفات جمال و جلال خداوند در قرآن مجید؛

پنجم ــ معاد در قرآن مجید؛

ششم ــ نبوت خاصه در قرآن مجید؛

هفتم ــ امامت و ولایت در قرآن مجید؛

هشتم ــ حکومت اسلامی در قرآن مجید.

۱- طبقات مفسران شیعه، ج ۵، ص ۱۶۸.

۲- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۷، چ ۶، ج ۱، ص ۳۰.

پیام قرآن از نگاه استاد ایازی

پیام قرآن از نگاه استاد ایازی

این کتاب، اثر ناصر مکارم شیرازی (متولد ۱۳۰۷) با همکاری جمعی از نویسندگان است که به صورت موضوعی و به فارسی و در ده جلد تنظیم شده و همان گونه که از نام آن پیداست، موضوعی شده تفسیر نمونه، با نگارش و دسته بندی جدید است. ایشان در آغاز کتاب، مقدمه ای به انواع مختلف تفسیر، معنای تفسیر موضوعی، مشکلات و هدف های تفسیر موضوعی، سابقه و روش درست تفسیر موضوعی و عوامل رشد نداشتن این روش در میان گرایش های مختلف تفسیری پرداخته و به نکات مهمی در این دانش اشاره کرده است.

در متن کتاب، پس از توضیحی درباره اهمیت بردن نام خدا در شروع کارها و جایگاه بسم الله در قرآن، به سیر منطقی و موضوعی تفسیر وارد می شود و به طور طبیعی، از شناخت و اهمیت علم و مباحث گوناگون و گسترده شناخت، در جهان بینی قرآنی شروع می کند. در جلد دوم به خداجویی و خداشناسی در قرآن مجید؛ و در جلد سوم به را ه های شناخت خدا در قرآن؛ در جلد چهارم درباره صفات جمال و جلال خداوند در قرآن؛ در جلد پنجم و ششم به تفصیل درباره معاد؛ در جلد هفتم درباره نبوت عامه؛ در جلد هشتم نبوت خاصه؛ در جلد نهم امامت و ولایت؛ در جلد دهم قرآن مجید و حکومت اسلامی بحث می کنند.

روش بحث ها همان روش تفسیر نمونه است، با این تفاوت که روش تفسیر قرآن به قرآن در این مجلدات بارزتر و استفاده از آیات مرتبط، بیشتر و جنبه تحلیلی و توصیفی آن چشم گیر است. این تفسیر مورد استقبال بسیار قرار گرفته و تاکنون چندین بار چاپ شده است.(۱)

۱- سیر تطور تفاسیر شیعه، صص ۱۹۲ و ۱۹۳.

بعضی از مجلدات این تفسیر، به صورت کتاب درسی یا کمک درسی، در بعضی از دانشگاه‌ها آمده است. حجج اسلام آقایان محمدرضا آشتیانی، محمدجعفر امامی، عبدالرسول حسنی، محمد اسدی، حسین طوسی، سید شمس الدین روحانی و محمد محمدی در گردآوری و نگارش این کتاب با حضرت استاد همکاری داشتند. این تفسیر، به زبان عربی و با عنوان نفحات القرآن در ده جلد منتشر شده است.

ج) اخلاق در قرآن

ج) اخلاق در قرآن

بخش مهمی از معارف قرآن کریم، به مسائل اخلاقی و رفتاری مربوط می شود. در حرکتی دیگر، آیت الله مکارم، پس از تدوین تفسیر پیام قرآن و برای تکمیل تفسیر موضوعی شان، مباحث اخلاقی قرآن کریم را مورد بحث قرار دادند. در این کتاب، یک دوره کامل اخلاق اسلامی، اعم از مبانی و فروع آن، بحث شده است که در سه جلد انتشار یافته و بعضی از مجلدات آن به صورت کتاب درسی درآمده است.

اخلاق در قرآن، در واقع، کامل کننده پیام قرآن است. این کتاب به زبان عربی با عنوان الاخلاق فی القرآن در سه جلد منتشر شده است.

د) دیگر آثار قرآنی

د) دیگر آثار قرآنی

یک ـ قرآن و آخرین پیامبر؛

دو ـ قرآن و حدیث ؛

سه ـ تفسیر به رأی ؛

چهار ـ آیات الولایه.

۳. خدمات قرآنی

۳. خدمات قرآنی

خـدمات فرهنگی، هنگـامی مانـدگار می‌شود که جایگـاه منـاسبی برای عمل آنها در نظر گرفته شود. بنابراین مطلب، حضـرت اسـتاد برای خـدمات علمی و فرهنگی و قرآنی خـود، ساختمـان‌هـای مجهز و آبرومنـدی را به کمـک یـاران خیّر و تـوده مردم علاقه‌مند، بنیان نهاده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

الف) مـدرسه الإمام امیرالمؤمنین(ع): این مدرسه که در قم بنا نهاده شده، نخستین مرکزی است که پایگاه فعالیت‌های فرهنگی ایشان در طول سالیان دراز بود و مرکزی است بسـیار پربرکت و مجهز به مرکز انتشارات که تقریباً تمام مجلدات بیست و هفت گـانه تفسـیر نمونه و بسیاری از کتاب های دیگر ایشان در آنجا نگاشـته شـده و سالیان طولانی، مرکز درس‌های باشـکوه فقه، اصول و عقاید ایشان بوده است.

ب) مدرسه امام حسـین(ع): این مدرسه، مجهز به کتاب خانه پرباری است. همچنین، مرکز رشـته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم که به همت حضـرت استاد پایه گذاری شده و حمایت می شود، در همین مدرسه دایر است. بسیاری از فضلای محقـق در علوم قرآن و تفسـیر در حوزه علمیه قم، از این مرکز برخاسـته انـد و همه سـاله در مقـاطع مختلف حوزوی تـا سـطح اجتهاد در تفسیر و سطح چهار حوزه، تعدادی از اساتید فارغ التحصیل می شوند.

دفتر اسناد که محل مراجعه مردم و دیدارهای شخصیت ها با ایشان است، در همین مدرسه واقع است و این، خود، نشانه عنایت ایشان به این مرکز و فعالیت های قرآنی است.

ج) مجتمع فرهنگی خـاتم الانبیا: جمعی از مقلـدان و همشـهریان اسـتاد، انتظار داشـتند که یک حرکت فرهنگی، علمی و دینی گسترده را در زادگاه

خویش (شیراز) آغاز کنند که امواج آن، استان فارس را فراگیرد. پس از مشورت های لازم، زمینی به وسعت دوازده هزار و پانصد متر در یک محل حساس و محروم شهر (خیابان احمدی نو) تهیه کردند و احداث پنج مرکز دینی در کنار هم (دارالقرآن برای تربیت معلمان قرآن و علوم قرآنی و تفسیر؛ حوزه علمیه؛ مسجد؛ کتاب خانه مجهز و سالن بزرگ دارالقرآن برای تشکیل همایش های بزرگ قرآنی و دینی) آغاز شده و به برکت الطاف الهی، دارالقرآن به بهره برداری رسیده است.

د) مرکز شیعه شناسی: با گسترش علوم اسلامی در حوزه های علمیه و نیازهای ضروری به شاخه های مختلف علوم حوزوی در سال های اخیر، اقدام به تأسیس چند «رشته تخصصی» در حوزه علمیه قم شد که ارزش قانونی و رسمی نیز پیدا کرد و فضلای حوزه علمیه، بسیار از آن استقبال کردند.

این رشته ها عبارتند از: رشته تفسیر که زیر نظر استاد اداره می شود و رشته های علم کلام، تبلیغ، قضا، نهج البلاغه، حدیث، فلسفه اسلامی و... که زیر نظر بزرگان دیگر حوزوی قرار دارد. چندی پیش، ایشان به این نکته توجه کرد که از واجب ترین رشته ها، رشته «شیعه شناسی» است که جای آن خالی و از نیازهای ضروری امروز ماست.

به دنبال این فکر، سرفصل های این رشته، مانند تاریخ تشیع از عصر پیامبر تا به امروز، جغرافیای تشیع در تمام جهان، فرق مختلف شیعه، پایه های اصلی اعتقادات شیعه، دلایل مکتب تشیع از کتاب و سنت و حکم عقل، پاسخ به شبهه های مختلف مخالفان و بالأخره، مسائل مربوط به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) که خود، اقیانوس پهناوری است، آماده است.

۴. خدمات دیگر

۴. خدمات دیگر

الف) مـدرسه امـام سـجاد(ع) (بنیـاد فقه اهـل الـبیت): این بنیـاد که حـدود دو سـال از عمر آن می گـذرد، مرکز تـدوین دائره المعارف فقه مقارن است که شرح و معرفی اجمالی آن، ضمن معرفی دیگر آثار فقهی حضرت استاد از نظر گذشت.

ب) مـدرسه امام مجتبی(ع): این مـدرسه، مرکز پژوهش گروهی از طلاب بااسـتعداد و یکی از بهترین مـدارس حوزه علمیه قم است.

ج) مجتمع فرهنگی امام صادق(ع): این مرکز در مشـهد مقدس در شش طبقه به منظور اسکان زائران علی بن موسی الرضا(ع)، به ویژه طلاـب حوزه علمیه قم، به صورت واحـدهای مجهز بـا تمـام وسایـل مورد نیـاز سـاخته شـده و به طور تقریباً رایگان در اختیار آنان قرار می گیرد.

این مجتمع به کتاب خانه، حسـینیه، آشپزخانه و غذاخوری مجهز است. دفتر حضـرت استاد در مشهد نیز در جوار آن واقع شده است.

د) مجتمع فرهنگی و زائرسرای امام باقر(ع): این مرکز نیز در مشهد در کنار مجتمع فرهنگی امام صادق (ع) واقع شده است.

از آنجا که اسـتقبال از زائرسـرای امام صادق(ع)، به ویژه در تابستان ها، بیش از حد انتظار است، به گونه ای که متقاضیان باید در قرعه کشـی شـرکت کننـد و مـدت ها در نوبت بمانند، اسـتاد تصـمیم بر این گرفت که زائرسـرای مجهز دیگری که دوبرابر زائرسرای امام صادق(ع) گنجایش داشته باشد، در زمین بزرگ تری در شش طبقه بسازند که آماده بهره برداری است.

هـ) مرکز فرهنگی و دارالمبلغین فلسـفی (در تهران): تهران پایگاه حکومت اسلامی و مبلغان دینی بسیاری دارد. حضرت استاد مایل بود کانونی برای این مبلغان ساخته شود و آموزش های لازم برای آشناتر شدن به مسائل

زمان و شبهه ها و پاسخ شبهه ها و هماهنگی در مسائل تبلیغی به عمل آید. همچنین، گروه تازه ای برای تبلیغ اسلام در داخل و خارج پرورش یابند.

برای این منظور، خانه مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای فلسفی را خریداری کرد تا بنای باشکوهی در آن بسازند و کلاس های درس و کتاب خانه و سالن اجتماعات در آن فراهم شود.

از آنجا که این خطیب بزرگ، مدت بیست وهشت سال از عمر پربرکت نودوچند ساله خود را در راه اعتلای اسلام و مکتب اهل بیت(ع) صرف کرد، حضرت استاد دریغ داشتند که نام او فراموش شود و از این خادم شایسته سالار شهیدان(ع) قدردانی نشود. ازاین رو، این مرکز را به نام آن خطیب بزرگوار نام گذاری کرد. ساخت وساز این بنا انجام شده و ان شاءالله به زودی برنامه آن نیز آغاز می شود.

و) سایت اینترنتی: تأسیس پایگاه اینترنتی پرمحتوا، یکی دیگر از اقدامات معظم له است. این سایت که از سایت های پرمراجعه است، بسیاری از کتاب های ایشان را دربرمی گیرد و استفتائات فراوانی، همه روزه از طریق این سایت به دفتر ایشان می رسد که خود ایشان تمام آنها را پاسخ می گویند و آنچه برای عموم مفید باشد، به ذخایر سایت اضافه می شود. آدرس این سایت Makaremshirazi.org است.

ز) بنای صدوده مسجد و صدوده مدرسه در مناطق محروم: سال ۱۳۷۹ که به سبب جمع دو عید غدیر در یک سال شمسی به نام سال « امیرالمؤمنین» نامیده شد و مراسم پرشکوهی در این سال در سراسر کشور، حتی در خارج از کشور انجام گرفت، حضرت استاد به فکر انجام یک خدمت ماندگار در این سال افتاد و همت بر بنای صدوده مدرسه فرهنگی و صدوده مسجد (که به مقیاس حروف «ابجد» با نام مقدس «علی(ع)» هماهنگ است) در مناطق

بسیار محروم کشور، به ویژه در شرق خراسان و منطقه سیستان و بلوچستان گذاشت.

این حرکت، مایه امیدواری زیاد برای پیروان مکتب اهل بیت (ع) شده است. البته این مساجد و مدارس، در روستاهای محروم و دورافتاده، به مقدار نیازشان ساخته می شود و در شهرهای محروم نیز، بزرگ تر و در حد نیازشان.

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. ایازی، سید محمدعلی، سیر تطور تفاسیر شیعه، قم، مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، ۱۳۷۹.

۲. قدسی، احمد، حیات پربرکت، (زندگی نامه آیت الله العظمی مکارم شیرازی)، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۸۴.

۳. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۷۸.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از دانشمندان، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۱.

۶. ـــــــــــــــــــــــ، پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۷.

۷. ـــــــــــــــــــــــ، ترجمه قرآن، قم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳.

۸. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸هـ.ق.

۹. مؤدب، سیدرضا، روش های تفسیر قرآن، قم، انتشارات اشراق دانشگاه قم، ۱۳۸۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹